

دفاع از حقوق بشر از تبعید:
گزارشی از چالش‌ها و فرصت‌های مدافعان حقوق بشر
افغانستان در بازگشایی و ادامه فعالیت سازمان‌های
غیر دولتی‌شان در کانادا، اروپا، بریتانیا، و ایالات متحده
امریکا

(2022 – 2023)

فهرست

6	خلاصه اجرایی	
7	مقدمه	
7	روش شناسی	
7	روش جمع‌آوری معلومات	
8	روش تحلیل داده‌ها	
8	ساختار	
9	بخش اول: شرح گزارش	
		9
		1
9	1.1 منابع انسانی	
9	1.1.1 ادغام در جامعه جدید	
10	1.1.2 کاهش علاقه‌مندی	
11	1.1.3 شایستگی	
12	1.1.4 صحت روان	
12	1.1.5 کمبود افراد متخصص	
13	1.2 منابع مالی	
13	1.2.1 کمبود منابع	
14	1.2.2 هزینه‌های بلند	
14	1.2.3 ایجاد حساب بانکی	
15	1.3 ظرفیت‌تخنیکي	
15	1.3.1 پیچیدگی سیستم حقوقی	
16	1.3.2 آغاز کار	
17	1.3.3 بوروکراسی	
17	1.3.4 جذب منابع مالی	
18	1.3.5 وفق‌پذیری مسلکی	
		19
		2
19	2.1 انگیزه و تعهد مدافعان حقوق بشر در تبعید	
19	2.2 حمایت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی	

	20	.3
3.1. چالش‌های درون‌داد	20	3.1
3.1.1. انتقال پول	20	3.1.1
3.1.2. وضعیت تمویل کنندگان و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی	21	3.1.2
3.1.3. خطرات	23	3.1.3
3.2. چالش‌های فرایند	24	3.2
3.2.1. خودسانسوری	24	3.2.1
3.2.2. فشار از سوی طالبان	24	3.2.2
3.2.3. پایداری	25	3.2.3
3.3. چالش‌های برونداد	26	3.3
3.3.1. پرسش‌های وجودی	26	3.3.1
3.3.2. انکشاف استراتژی جدید	27	3.3.2
	28	.4
4.1. نظارت و مستندسازی	28	4.1
4.2. هنر	28	4.2
4.3. دادخواهی	29	4.3
	30	.5
بخش دوم: توصیه‌ها	31	
یکم: به مدافعان حقوق بشر افغان در تبعید	31	
دوم: به ادارات تمویل کننده و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی	31	
سوم: به دولت‌ها	32	
چهارم: به یوناما در افغانستان	32	

دفاع از حقوق بشر از تبعید: گزارشی از چالش‌ها و فرصت‌های مدافعان حقوق بشر افغانستان در بازگشایی و ادامه فعالیت سازمان‌های غیر دولتی‌شان در کانادا، اروپا، بریتانیا، و ایالات متحده امریکا

© انستیتوت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه رائل ولنبرگ

مسعود آدرخش، محقق انستیتوت رائل ولنبرگ

(2022 – 2023)

شابک: 4-59-86910-91-978

نویسنده این تحقیق مایل است از اندریاس لیونگهولم¹، زوزانا زالانوا²، مورتن کوخ اندرسن³، و ریچارد بنت⁴ برای نظرات و پیشنهاداتشان در این گزارش و تمام افرادی که در مصاحبه‌های این گزارش شرکت کردند، برای همکاری‌شان قدردانی کند.

این گزارش به عنوان بخشی از برنامه افغانستان انستیتوت رائل ولنبرگ و با حمایت مالی اداره همکاری‌های توسعه بین‌المللی سویدن تهیه و انجام شده است.

دیدگاه و نظرات مندرج در این تحقیق متعلق به خود نویسنده است و لزوماً بازتاب دهنده دیدگاه انستیتوت رائل ولنبرگ یا تمویل‌کننده آن نیست.

انستیتوت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه رائل ولنبرگ

استورا گروبه رودرسگاتان، 17 ب

صندوق پستی: 1155

اس ای – 05 221، لوند، سویدن

¹ Andreas Liungholm

² Zuzana Zalanova

³ Morten Koch Andersen

⁴ Richard Bennett

مخفف‌ها:

سازمان‌های جامعه مدنی	CSOs
مدافعان حقوق بشر	HRDs
سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی	INGO
سازمان‌های غیردولتی	NGO
انستیتوت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه راول ولنبرگ	RWI
اداره همکاری‌های توسعه بین‌المللی سویدن	Sida
بریتانیا	UK
ایالات متحده امریکا	US
سازمان ملل متحد	UN
هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان	UNAMA

خلاصه اجرایی

پیشینه: پس از سقوط کابل به دست طالبان در ماه آگست سال 2021، بسیاری از مدافعان حقوق بشر افغانستان به خارج از کشور، به ویژه اروپا، ایالات متحده، بریتانیا، و کانادا منتقل شدند. شماری از این مدافعان حقوق بشر تلاش کرده‌اند تا سازمان‌های غیردولتی خود را در تبعید بازگشایی کرده و برای حقوق بشر در افغانستان کار کنند، اما در این مسیر با چالش‌های قابل توجهی روبه‌رو شده‌اند.

هدف: هدف این مطالعه بررسی دو موضوع اصلی است:

اول، چالش و فرصت‌هایی که مدافعان حقوق بشر افغانستان برای بازگشایی و ادامه فعالیت سازمان‌های غیردولتی‌شان در تبعید با آن مواجه هستند؛ و دوم، ارائه توصیه‌های مناسب برای مقابله با این چالش‌ها.

روش: در ماه‌های جولای و آگست سال 2022، یک سلسله مصاحبه با مدافعان حقوق بشر افغانستان که همزمان مدیر سازمان‌شان نیز بودند در اروپا، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، و کانادا انجام شد. این مدیران یا سازمان غیردولتی خود را بازگشایی کرده بودند یا هم در جریان انجام این کار بودند.

یافته‌ها: براساس یافته‌های این مطالعه، مشکلات اصلی‌ای که مدافعان حقوق بشر افغانستان با آن مواجه‌اند عمدتاً به دست آوردن منابع انسانی و مالی مناسب، و همچنین چالش‌های فنی و عملیاتی هستند. با این حال، انگیزه و تعهد آنان برای تغییر وضعیت حقوق بشر در افغانستان، و همچنین حمایت‌های بالقوه از سوی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی؛ امکان مشاهده و مستندسازی نقض حقوق بشر در افغانستان؛ امکان برگزاری رویدادهای هنری مرتبط با حقوق بشر در کشورهای مختلف و امکان دادخواهی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در افغانستان فرصت‌های بالقوه‌ای برای این مدافعان حقوق بشر هستند.

نتیجه‌گیری: علی‌رغم چالش‌های موجود، مدافعان افغان حقوق بشر در تبعید از مهارت و تجربیات زیادی برخوردارند که از 20 سال کار در زمینه حقوق بشر در افغانستان به دست آورده‌اند. آنان با انگیزه و تعهد برای بهبود وضعیت حقوق بشر مردم خود تلاش می‌کنند و زمینه‌هایی برای کار و دادخواهی برای افغانستان در کشورهای محل تبعید خود دارند. از این رو، حمایت از مدافعان حقوق بشر افغان نه تنها برای حال، بلکه برای آینده افغانستان نیز مفید خواهد بود، به خصوص زمانی که شرایط بهتر شود و آنان بتوانند به افغانستان بازگردند. با این وجود، اگر آنان اکنون نتوانند دوباره به عنوان مدافع حقوق بشر فعالیت کرده و سازمان‌های غیردولتی خود را در تبعید فعال کنند، به احتمال زیاد به زمینه‌های شغلی دیگر مهاجرت خواهند کرد. در نتیجه، تخصص آنان از دست خواهد رفت و افغانستان از تأثیرات مثبت بالقوه‌ای که این مدافعان می‌توانستند ایجاد کنند، محروم خواهد شد.

توصیه‌ها: مدافعان حقوق بشر افغانستان باید ابتدا گرد هم آمده و در زمینه‌های مختلف کار کنند. توصیه می‌شود که ادارات تمویل‌کننده، به خصوص سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، حمایت‌های قانونی، مالی و فنی را از طریق استراتژی‌های ظرفیت‌سازی مانند برنامه‌های حمایت مالی و/یا اعزام کارشناسان به مدافعان افغان حقوق بشر ارائه دهند تا آنان بتوانند نقض حقوق بشر در افغانستان را نظارت و مستندسازی، رویدادهای هنری برای حقوق بشر در افغانستان را برگزار، و برای بهبود وضعیت، مخصوصاً ایجاد فضای مدنی و روشن نگه داشتن شعله حقوق بشر افغانستان دادخواهی کنند.

مقدمه

روز 24 اسد 1400 (15 آگست 2021) یکی از سیاه‌ترین روزهای بیست سال اخیر تاریخ افغانستان به شمار می‌رود. در این روز، اشرف غنی، رئیس‌جمهور وقت افغانستان، از کشور فرار کرد و ساختار دموکراتیک ریاست‌جمهوری به‌دست طالبان فرو ریخت؛ گروهی که طی دو دهه گذشته هم از سوی دولت افغانستان و هم از سوی جامعه جهانی به‌عنوان تروریست شناخته می‌شدند. طالبان قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان را لغو کرده و به‌جای آن، امارت اسلامی افغانستان را اعلام نمودند؛ حکومتی که با انحطاط کامل، از مردانی تشکیل شده که عمدتاً به قوم پشتون تعلق دارند و تحت فرمان امیر مطلق اداره می‌شود. این تغییر ناگهانی و بنیادین زندگی تمامی مردم افغانستان را در تمام ابعاد دچار پیامدهای منفی کرد. به دلیل تهدیدهای طالبان، بسیاری از افراد آسیب‌پذیر ناچار به ترک کشور شدند. در میان این گروه‌ها، مدافعان حقوق بشر از اهداف اصلی طالبان به شمار می‌رفتند.

مدافعان حقوق بشر افغانستان، که بسیاری از آن‌ها پیش از سقوط افغانستان در چارچوب سازمان‌های غیردولتی فعالیت می‌کردند، مدافعان آزادی و حقوق بشر در این کشور بودند و سال‌ها تلاش کردند تا حکومت دموکراتیک را تقویت کنند و شرایطی فراهم آورند که هر شهروند افغانستانی از آزادی‌ها و حقوق بشر خود بهره‌مند شود. پس از روی کار آمدن طالبان، این مدافعان به نقاط مختلف جهان پراکنده شدند و سازمان‌های غیردولتی آن‌ها یا منحل شدند و یا تمرکز خود را بر حقوق بشر از دست دادند. با این وجود، پس از گذشت بیش از یک سال از حاکمیت طالبان و جابه‌جایی مدافعان حقوق بشر، برخی از آن‌ها تلاش خود را برای بازسازی و بازتعریف سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری خود در تبعید از سر گرفتند. اما در این مسیر با چالش‌های جدی مواجه هستند.

این پژوهش با هدف شناسایی چالش‌ها و فرصت‌هایی که مدافعان حقوق بشر افغانستان با آن مواجه هستند انجام شده است: نخست، در بازگشایی سازمان‌های غیردولتی خود در تبعید و دوم، ادامه فعالیت آن‌ها. نتایج این پژوهش در قالب گزارشی ارائه خواهد شد. بر اساس یافته‌های پژوهش، این گزارش همچنین مجموعه‌ای از توصیه‌ها را به نهادها، بازیگران و سازوکارهای مرتبط ارائه می‌دهد تا نشان دهد چگونه می‌توانند با مدافعان حقوق بشر افغانستان همکاری کرده و به‌طور مؤثر وضعیت حقوق بشر در افغانستان را بهبود بخشند.

برای دستیابی به این هدف، مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها با ۱۲ تن از مدافعان حقوق بشر افغانستان انجام شده که هر یک مدیر سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری خود نیز بودند. پس از تکمیل مصاحبه‌ها، محتوای آن‌ها به شکل متن آورده شده و با استفاده از رویکردهای استقرایی و قیاسی و با تمرکز بر تحلیل محتوای موضوعی مورد بررسی قرار گرفته است. از طریق این تحلیل، چندین موضوع مشترک شناسایی شد که در این گزارش تحت دو محور اصلی چالش‌ها و فرصت‌های مدافعان حقوق بشر افغانستان در بازگشایی و ادامه فعالیت سازمان‌های غیردولتی‌شان در تبعید مورد بحث قرار گرفته است.

روش‌شناسی

روش جمع‌آوری معلومات

برای گردآوری داده‌های این مطالعه، با 12 مدافع حقوق بشر افغانستان شامل هفت مرد و پنج زن که هر یک مدیر سازمان‌های غیردولتی خود بودند و اکنون در کشورهای اروپایی، بریتانیا، ایالات متحده و کانادا مستقر هستند، در ماه‌های جولای و آگست 2022 مصاحبه انجام شد. استفاده از روش مصاحبه مناسب‌ترین شیوه برای درک تجربیات فردی و

جمعی مدافعان حقوق بشر در مسیر از سرگیری فعالیت‌هایشان در تبعید بود. این مصاحبه‌ها از طریق برنامه‌های آنلاین مانند زوم و واتس‌آپ انجام شده و شامل پرسش‌های ساختاریافته و باز درباره بازگشایی و ادامه فعالیت سازمان‌های غیردولتی در تبعید بود. حدود 30 سؤال طراحی شده بود، اما بسته به پیشینه، وضعیت کنونی مدافع حقوق بشر، و مباحث مطرح شده در طول مصاحبه، این سؤالات در هر مصاحبه متفاوت بودند. هر مصاحبه معمولاً یک ساعت به طول می‌انجامید.

در طراحی سؤالات، رویکرد قیاسی برای شناسایی چالش‌ها و فرصت‌های احتمالی پیش روی مدافعان حقوق بشر به کار گرفته شده. در پایان هر مصاحبه، از پاسخ‌دهندگان خواسته شده هر موضوعی که به نظرشان مرتبط با گزارش است ولی در سؤالات گنجانده نشده، اضافه کنند. علاوه بر این، گزارش شامل برخی یافته‌های جزئی از نشست استراتژیک 12 فعال حقوق بشر افغانستان درباره تحلیل وضعیت مدافعان حقوق بشر افغانستان در تبعید است که توسط سازمان جهانی علیه شکنجه (OMCT) از 25 تا 28 میزان سال 1401 (17 تا 20 اکتوبر 2022) در جنیوا، سوئیس، میزبانی شد.

روش تحلیل داده‌ها

پس از انجام مصاحبه‌ها و آماده شدن فایل‌های ضبط شده، محتوا به صورت دستی رونویسی شده. در مرحله طراحی پرسشنامه‌ها از رویکرد قیاسی برای ساختاربندی سؤالات استفاده شده؛ اما در مرحله تحلیل، رویکرد استقرایی و روش تحلیل موضوعی به کار گرفته شد تا داده‌ها استخراج و تحلیل شوند. دلیل استفاده از این رویکرد آن بود که خود را محدود به موضوعاتی که پیش‌تر برای طراحی پرسشنامه‌ها تعیین شده بود نکرده، بلکه موضوعاتی که در طول مصاحبه‌ها پدیدار شدند نیز در نظر گرفته شوند. بنابراین، موضوعات مطرح‌شده در این گزارش نتیجه یک رویکرد ترکیبی، یعنی استفاده هم‌زمان از رویکردهای قیاسی و استقرایی و روش تحلیل موضوعی است.

ساختار

این گزارش به دو بخش تقسیم شده است: 1) شرح گزارش، و 2) توصیه‌ها.

بخش اول گزارش به شرح موارد زیر می‌پردازد:

- چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با بازگشایی یک سازمان غیردولتی در تبعید،
- چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با ادامه فعالیت یک سازمان غیردولتی در تبعید.

بخش دوم شامل 15 توصیه است که برای مدافعان حقوق بشر افغانستان در تبعید، تمویل‌کنندگان و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، دولت‌ها و هیئت معاونت سازمان ملل در افغانستان (یوناما) مناسب هستند.

بخش اول: شرح گزارش

1. چالش‌های بازگشایی

این بخش به چالش‌هایی که مدافعان حقوق بشر افغان برای بازگشایی سازمان‌های غیردولتی خود در کشورهای محل تبعید خود با آن مواجه هستند می‌پردازد. تحلیل متن و کودها نشان می‌دهد که تمامی چالش‌های مربوط به بازگشایی سازمان‌های غیردولتی را می‌توان در سه محور اصلی دسته‌بندی کرد: (1) منابع انسانی، (2) منابع مالی، (3) ظرفیت تخنیک.

1.1. منابع انسانی

این محور به چالش‌هایی اشاره دارد که کارکنان سازمان‌های غیردولتی به‌طور مستقیم با آن‌ها روبه‌رو هستند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که این مسائل در پنج زیرمحور اصلی قابل دسته‌بندی هستند: (1) چالش‌های مربوط به ادغام در جامعه جدید، (2) کاهش علاقه‌مندی، (3) عدم تخصص یا شایستگی، (4) مسائل صحت روان و آسیب‌های روحی، و (5) نبود افراد متخصص.

1.1.1. ادغام در جامعه جدید

ادغام در جامعه جدید یکی از شایع‌ترین چالش‌ها برای مدافعان حقوق بشر افغانستان در کشورهای جدیدشان بوده است. تجدید ویزا و مجوز اقامت، آشنایی با فرهنگ و در بسیاری از موارد یادگیری زبان جدید، بزرگ‌ترین چالش‌هایی هستند که آن‌ها با آن‌ها روبه‌رو هستند و این مسائل مانع از بازتوانی و تلاش‌های آن‌ها برای بازسازی خود و سازمان‌های غیردولتی‌شان شده است. در برخی موارد، به‌ویژه در ایالات متحده، وضعیت قانونی و اقامتی مدافعان حقوق بشر روشن نیست، حتی با وجود اینکه آن‌ها اسکان داده شده‌اند و پیشینه آن‌ها برای کشورهای میزبان شناخته شده است. آن‌ها نسبت به آینده و اقامت خود در کشور دچار ابهام هستند و به همین دلیل قادر به آغاز تلاش‌هایشان برای بازسازی یک سازمان غیردولتی و فعالیت در تبعید نیستند.

ماری اکرمی، مدیر «شبکه زنان افغانستان» که به ایالات متحده انتقال داده شده، یکی از کسانی است که با مشکلات اقامت و ویزه دست و پنجه نرم می‌کند و در ادغام شدن در جامعه دچار مشکلات شخصی است. او می‌گوید: «سرنوشت ما هنوز مشخص نیست»⁵، که به‌ویژه به وضعیت ویزای خود اشاره دارد، زیرا ویزای او برای مدت زمانی خاص صادر شده است و او مطمئن نیست که پس از آن چه خواهد شد. زمانی که از او درباره وضعیت و آینده سازمانش در ایالات

⁵ ماری اکرمی، ایالات متحده آمریکا، 27 آگست 2022

متحدہ پرسیدہ شد، او بارها به مشکلات ادغام اشاره کرد و گفت: «من عملاً با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو هستم که فراتر از تصور من هستند»⁶، و چندین مشکل شخصی که در تبعید با آن‌ها مواجه است را برجسته کرد.

موانع زبانی، به‌ویژه در کشورهای اروپایی، دیگر چالش عمده‌ای است که مدافعان حقوق بشر با آن روبه‌رو هستند. یادگیری زبان جدید زمان و تلاش زیادی می‌طلبد و در برخی کشورها، اسناد به زبان انگلیسی نوشته نمی‌شود. برخی از مدافعان حقوق بشر نیز به اندازه کافی به زبان انگلیسی مسلط نیستند تا بتوانند به‌طور مؤثر در جامعه فعالیت کنند. این مسأله مانع از برقراری ارتباط با مقامات محلی و ارائه پیشنهادات آن‌ها برای فعالیت‌های حقوق بشری در تبعید می‌شود. علاوه بر این، آن‌ها باید در دوره‌های یادگیری زبان شرکت کنند تا فرآیند ادغام‌شان تکمیل شود که خود این موضوع زمان فعالیت آن‌ها به‌عنوان مدافعان حقوق بشر را محدود می‌کند. به دلیل این موانع، مدافعان حقوق بشر در تبعید، به خصوص در کشورهای اروپایی، مطمئن نیستند که بتوانند به سرعت در جامعه، به ویژه در بازار کار، ادغام شوند، زیرا آنان خودشان از موانعی که نا بلدی زبان با خود می‌آورند به خوبی آگاه هستند.

1.1.2. کاهش علاقه‌مندی

برخی از مدافعان حقوق بشر که در افغانستان در سازمان‌های غیردولتی فعالیت می‌کردند، پس از انتقال به کشورهای دیگر از ساختار سازمانی جدا شدند. آن‌ها به‌طور منظم از افغانستان تخلیه و اسکان داده نشدند؛ برخی زودتر تخلیه شدند، برخی دیرتر، برخی به یک کشور و برخی به کشور دیگر منتقل شدند، و برخی نیز در افغانستان ماندند. پراکندگی به مناطق مختلف باعث کاهش احساس اتصال سازمانی شده است و اگر یک سازمان غیردولتی بخواهد با کارکنان سابق خود بازگشایی شود، کنار هم جمع کردن آنان به زمان زیادی نیاز خواهد داشت. حتی اگر پراکندگی مدافعان حقوق بشر در کشورهای مختلف و مناطق زمانی مختلف علاقه آن‌ها به همکاری با یکدیگر را کاهش ندهد، بر کارایی و اثربخشی آن‌ها تأثیر منفی خواهد داشت. موضوع فقط نداشتن یک آدرس فیزیکی نیست، بلکه این مدافعان حقوق بشر نمی‌توانند تمام فعالیت‌های خود را به صورت آنلاین هماهنگ کنند، چنانچه عزیز رفیعی، رئیس اجرایی مجتمع جامعه مدنی افغانستان به آن اشاره می‌کند، «یکی از بزرگترین چالش‌های ما این است که تقریباً باید 24 ساعت شبانه‌روز کار کنیم، به این معنا که ما با کابل، اروپا، کانادا و سایر مناطق تفاوت زمانی داریم، به همین دلیل، جلسات ما با همکارانمان به راحتی قابل هماهنگی نیست.»⁷ اگر این مدافعان حقوق بشر نتوانند همزمان کار کنند و جلسات مشترک برگزار کنند، نه تنها یک معضل تدارکاتی کلان به وجود می‌آید، بلکه تأثیر منفی به سزایی بر برونداد زحمات آنان نیز خواهد داشت.

از سوی دیگر، برخی از مدافعان حقوق بشر تمایلی به بازگشت به یک سازمان غیردولتی ندارند، زیرا کار در سازمان‌های غیردولتی، به‌ویژه کارهای حقوق بشری، را به‌عنوان یک شکل پایدار از کار و زندگی در تبعید نمی‌بینند. آن‌ها معتقدند که اگر تمرکز خود را بر کار در یک سازمان غیردولتی بگذارند، فرصت کسب دانش و تجربه جدید برای ادغام در جامعه جدید خود را به خطر می‌اندازند. در عین حال، آن‌ها هیچ دیدگاه روشنی در مورد آینده کاری خود در آن جامعه ندارند. با این حال، برخی از آن‌ها ترجیح دادند که به‌جای تمرکز بر بازگشت به یک سازمان غیردولتی حقوق بشری یا بازگشایی آن، به‌طور محلی ادغام شوند.

در صحبت با مدیران سازمان‌های غیردولتی، برخی از آن‌ها گفتند که تعدادی از کارکنانشان سازمان‌های خود را ترک کرده‌اند و یا شغلی پیدا کرده‌اند، یا در حال ادامه تحصیل هستند، یا در تلاشند به حوزه کاری دیگری منتقل شوند. طبعاً که مدیران سازمان‌های غیردولتی از این وضعیت راضی نیستند، اما واضح است که نمی‌توانند کاری در این باره انجام

⁶ ماری اکرمی، ایالات متحده آمریکا، 27 آگست 2022

⁷ عزیز رفیعی، کانادا، 23 جولای 2022

دهند. مدافعان حقوق بشر حق دارند که به کسب و کارهای دیگر بروند؛ اما این موضوع می‌تواند به‌عنوان یک کمبود در دفاع از حقوق بشر مردم افغانستان نیز تلقی شود.

1.1.3. شایستگی

در کنار سایر عوامل، معیارهای سازمان‌های غیردولتی که در کشورهای اروپایی، کانادا، ایالات متحده و بریتانیا فعالیت می‌کنند با کار سازمان‌های غیردولتی در افغانستان متفاوت است. همه مدافعان حقوق بشر که از افغانستان خارج شده‌اند تحصیلات آکادمیک یا تخصص لازم که به راحتی امکان ورود به محیط کاری کشورهای محل اقامت فعلی‌شان را بدهد نداشتند. چندین مدافع حقوق بشر این مشکل را پذیرفته و کمبود ظرفیت را به‌عنوان چالشی برای فعالیت و رقابت در بخش سازمان‌های غیردولتی در کشورهای محل اقامت خود می‌بینند. محمد رحیم جامی، مدیر اجرایی «جنبش پشتیبانی از تعلیم و تربیه باکیفیت در افغانستان» که فعلاً در کانادا مستقر است، می‌گوید:

«دانش و تجربه کارکنان ما بر اساس معیارهای افغانستان بود، اما این معیارها در اینجا قابل قبول نیستند. احتمالاً فقط 10 فیصد از پیشینه تحصیلی مدافعان حقوق بشر در اینجا پذیرفته شود، 90 فیصد باقی‌مانده احتمالاً رد می‌شود.»⁸

وی همچنین می‌افزاید که مدافعان حقوق بشر افغان نیاز به یک سلسله برنامه‌های ارتقای ظرفیت همسو با نیازهایشان دارند که توقع می‌رود سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در این زمینه همکاری کنند تا آنان بتوانند به راحتی به عنوان سازمان‌های غیردولتی در تبعید فعالیت کنند.

با آن که شماری از مدافعان حقوق بشر به زبان کشور میزبان خود مسلط نیستند، اکثر آنان علاقه چندانی به یادگیری زبان انگلیسی نیز ندارند. این مساله مشکل را پیچیده‌تر می‌کند. اگر آنان با زبان محلی آشنا نباشند، نمی‌توانند با سازمان‌های محلی ارتباط برقرار کنند، و عدم بلدیت با زبان انگلیسی مانع شبکه سازی و برقراری ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی، چه در داخل و چه در خارج کشور مسکونه آنان، می‌شود. این در حالی است که این ارتباطات و شبکه‌ها ابزار اصلی تثبیت و ادامه فعالیت مدافعان حقوق بشر به عنوان سازمان‌های غیردولتی هستند.

مدافعان حقوق بشر با مسائل حرفه‌ای و عملی متعددی مواجه‌اند، از جمله نگرش پروپوزل، تدوین استراتژی سازمانی و سایر اسناد مرتبط. به‌عنوان نمونه، شهریانو حیدری، معاون «انجمن همبستگی زنان برای زنان» که به ایتالیا منتقل شده است، اظهار داشت: «ما با روش نگرش پروپوزل در اینجا آشنا نبودیم. بعدها فهمیدیم که شیوه نگرش پروپوزل در اروپا با روش آمریکایی متفاوت است، که درباره آن اطلاعات زیادی نداشتیم.»⁹ شاید این چالش به‌ظاهر مسئله کوچکی به نظر برسد که مدافعان حقوق بشر بتوانند به نحوی آن را حل کنند، اما این مشکلات مانعی بر سر راه سازماندهی مجدد و، مهم‌تر از آن، ادامه فعالیت به‌عنوان سازمان‌های غیردولتی محسوب می‌شوند. برای مثال، برای دریافت پروژه به یک پروپوزل معیاری نیاز است که شامل تحلیل حرفه‌ای از جنبه‌های مختلف پروژه باشد، از جمله مشکل، ذینفعان، هدف، و از همه مهم‌تر برای مدافعان حقوق بشر، نظارت و ارزیابی فعالیت‌ها و اهداف. بیشتر سازمان‌های غیردولتی که از تبعید فعالیت می‌کنند، هرچند برای افغانستان کار می‌کنند، به مهارت‌های حرفه‌ای نیاز دارند تا حامیان مالی را متقاعد کنند که می‌توانند پروژه‌ها و برنامه‌ها را در شرایط تبعید اجرا کنند.

⁸ محمد رحیم جامی، کانادا، 27 جولای 2022

⁹ شهریانو حیدری، ایتالیا، 3 آگست 2022

1.1.4. صحت روان

پانزدهم آگست 2021 فقط یک روز غیرعادی برای مردم افغانستان نبود، بلکه یک روز بسا تکان دهنده نیز بود. با توجه به عوامل متعدد، از جمله وعده‌های دولت پیشین افغانستان و جامعه بین‌المللی برای حفظ ارزش‌هایی که طی 20 سال در افغانستان ایجاد شده بودند، مردم توقع چنان تغییر ناگهانی را نداشتند. با این حال، حکومتی دموکراتیک که بر پایه ارزش‌های حقوق بشر و آزادی فردی بنا شده بود و مردم برای آن دهه‌ها مبارزه کرده بودند، در چشم بر هم زدنی از بین رفت. این تغییر تاسف‌بار به‌ویژه مدافعان حقوق بشر، فعالان سیاسی، نیروهای نظامی، زنان و کارکنان رسانه را در معرض خطر جدی قرار داد.

در نتیجه، شماری از مدافعان حقوق بشر افغانستان که با آن‌ها مصاحبه شده، اشاره کرده‌اند که وضعیت روحی مدافعان حقوق بشر، چه در داخل و چه در خارج از افغانستان، پس از روی کار آمدن طالبان به شدت مختل شده است. عزیز رفیعی در مورد وضعیت افغانستان می‌گوید: «روحیه کار در افغانستان از بین رفته و محیط خفقان‌آور است.»¹⁰ فرشته کریم، مدیر و بنیان‌گذار سازمان غیرانتفاعی چهارمغز، در اشاره به همکاران خود در افغانستان می‌گوید: «همکاران ما آسیب روحی دیده‌اند، انگیزه‌هایشان خیلی تغییر کرده، برخی از آن‌ها انگیزه بیشتری [برای کار] پیدا کرده‌اند، اما وقتی در محیط جدید قدم می‌زنند، آن محیط آن‌ها را آزار می‌دهد.»¹¹ این فقط محدود به افرادی که در افغانستان مانده‌اند نیست؛ مدافعان حقوق بشری که به کشورهای دیگر منتقل شده‌اند نیز از نظر روانی درگیر مشکلات زیادی هستند. به گفته ماری اکرمی: «من سال‌ها برای زنانی که قربانی خشونت خانوادگی هستند کار کرده‌ام، اما حالا می‌بینم که خودم قربانی شده‌ام. سرنوشت و آینده‌ام نامعلوم است؛ نمی‌دانم چه خواهد شد و چه نخواهد شد.»¹² این وضعیت ناپایدار، همراه با پیچیدگی‌های فرایند ثبت سازمان‌ها و آسیب‌پذیری مدافعان حقوق بشر به عنوان مهاجر، بازگشایی و فعالیت دوباره آن‌ها به عنوان سازمان‌های غیردولتی در تبعید را بسیار دشوارتر کرده است.

1.1.5. کمبود افراد متخصص

با مهاجرت اعضای سازمان‌های غیردولتی پس از سقوط افغانستان، مدیران این سازمان‌ها با چالش یافتن و گردآوری نیروهای حرفه‌ای در سازمان‌هایشان مواجه شده‌اند. به عنوان مثال، عبدالله احمدی، مدیر سازمان دموکراسی و توسعه افغانستان (ADDO)، می‌گوید که آن‌ها نیاز دارند تا نیروهای جدید و با دانش و تجربه خوب پیدا کنند. همچنین، حوریه مصدق، مدیر سازمان ایمنی و کاهش خطر (SRMO)، می‌گوید:

«جمعیت بزرگی از مدافعان حقوق بشر کشور را ترک کرده‌اند، و افرادی که به‌تازگی در [افغانستان] شروع به فعالیت کرده‌اند، نیازمند تلاش‌های زیادی هستند تا شناخته شوند. اما خلأی که ایجاد شده است، احتمالاً تا یک دهه دیگر نیز پر نخواهد شد.»¹³

¹⁰ عزیز رفیعی، کانادا، 23 جولای 2022

¹¹ فرشته کریم، بریتانیا، 25 آگست 2022

¹² ماری اکرمی، ایالات متحده، 27 آگست 2022

¹³ حوریه مصدق، بریتانیا، 27 جولای 2022

این موضوع به خصوص برای آن عده از سازمان‌های غیردولتی که هنوز در افغانستان دفتر یا نمایندگی دارند بیشتر صدق می‌کند. به همین دلیل، آنان نیاز دارند که برای رسیدگی به برخی از فعالیت‌ها و نیازهای تکنیکی‌شان از بیرون افغانستان نیروی کاری استخدام کنند.

کمبود متخصصان بیش از همه زنان مدافع حقوق بشر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا سازمان‌های غیردولتی به سختی می‌توانند زنان مدافع حقوق بشر واجد شرایط را در داخل کشور پیدا و استخدام کنند. رثوف مدقق، معاون مؤسسه آینده درخشان افغانستان، بیان می‌کند: «پیدا کردن یک همکار زن توانمند یک چالش است. این مسئله از یک سو به این دلیل است که افراد بیشتری سعی در ترک کشور دارند و از سوی دیگر به دلیل اینکه طالبان مردان را مسئول زنان در خانواده‌ها قرار داده است.»¹⁴ این وضعیت مانع از مشارکت فعال زنان در جامعه و کار در سازمان‌ها می‌شود، زیرا برخی مردان نمی‌خواهند خطر تحت پیگرد قرار گرفتن توسط طالبان را به دلیل رعایت نکردن حجاب یا برقع اجباری توسط زنان خانواده خود هنگام خروج از خانه یا کار در دفاتر بپذیرند.

1.2. منابع مالی

مشکلات مالی یکی دیگر از چالش‌های اصلی است که مدافعان حقوق بشر افغان در بازگشایی سازمان‌های خود در تبعید با آن روبه‌رو هستند. از میان انواع مختلف چالش‌های مالی، چهار مورد برجسته بودند.

1.2.1. کمبود منابع

برای اینکه یک سازمان غیردولتی توسط مدافعان حقوق بشر افغان در تبعید بازگشایی شود، حداقل باید کارکنان اختصاصی داشته باشد، در ادارات محلی ثبت باشد، اسناد داخلی خود را بازنویسی کند و حساب بانکی اختصاصی داشته باشد که همه این‌ها به منابع مالی نیاز دارند. برخی از سازمان‌ها پولی در حساب‌های بانکی خود در افغانستان دارند که مسدود شده و دسترسی به آن‌ها دیگر ممکن نیست. اگر سازمان‌ها بخواهند در تبعید فعالیت کنند، باید روی فعالیت‌هایی مانند ارتقای ظرفیت، تحقیق و دفاع از حقوق بشر کار کنند که در حال حاضر تمویل کنندگان تمایلی به تأمین مالی این گونه فعالیت‌ها برای سازمان‌های غیردولتی در تبعید ندارند و بیشتر تمایل دارند که روی سازمان‌هایی که هنوز در افغانستان فعالیت دارند تمرکز کنند. تمویل کنندگان بر این باورند که سازمان‌های غیردولتی در تبعید هیچ ارتباطی با اوضاع داخل کشور ندارند و توانایی مدافعان حقوق بشر افغان در نظارت و مستندسازی نقض حقوق بشر در افغانستان و از همه مهم‌تر، دادخواهی برای بهبود وضعیت در کشور از طریق زمینه‌های مختلف در حالی که در تبعید هستند را نادیده می‌گیرند.

در نتیجه، کمبود منابع مالی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای مدافعان حقوق بشر افغان که به دنبال بازسازی موقعیت خود هستند می‌باشد. برای مثال، سنجر سهیل، مدیر روزنامه هشت صبح معتقد است که افغانستان برای برخی از کشورها و سازمان‌ها اولویت کمتری پیدا کرده و تقریباً فراموش شده است، که باعث شده دریافت کمک‌های مالی از آن‌ها سوال‌برانگیز شود. او اشاره می‌کند که کمک‌های مالی برای حفظ عملکرد سازمان‌های غیردولتی در خارج از افغانستان ضروری است. همچنین می‌گوید کمبود منابع به این معناست که آن‌ها نمی‌توانند کارها را با کیفیت مطلوب انجام دهند.¹⁵ فرشته کریم می‌گوید: «ما می‌خواهیم سازمان غیردولتی خود را در بریتانیا ثبت کنیم، اما پول کافی برای انجام این کار نداریم.

¹⁴ رثوف مدقق، جرمنی، 11 اگست 2022

¹⁵ سنجر سهیل، کانادا، 26 جولای 2022

بنابراین، به سازمان‌های غیر انتفاعی برای کمک‌های بلا عوض مراجعه کرده‌ایم که می‌توانند به ثبت سازمان‌های غیردولتی در بریتانیا کمک کنند.¹⁶ با این حال، این مسأله کاملاً روشن نیست که این سازمان‌ها تا چه حد می‌توانند به سازمان‌های غیردولتی مختلف کمک کنند تا شروع به کار کنند. و اگر آن‌ها کمک کنند، سوال این است که چگونه این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان سازمان‌های پایدار فعالیت کنند.

1.2.2. هزینه‌های بلند

هزینه نیروی کار و زندگی در کشورهای محل سکونت مدافعان حقوق بشر به مراتب بالاتر از افغانستان است، و به همین دلیل نیز مدیران سازمان‌های نمی‌توانند با این هزینه‌ها کارکنان خود را حفظ کنند. از آنجا که این سازمان‌ها منابع مالی کافی برای حمایت از مدافعان حقوق بشر ندارند، مدافعان حقوق بشر مجبور به تغییر نوع کار خود برای بقای فعالیت‌ها هستند. عبدالله احمدی می‌گوید: «ما باید حداقل امکانات لازم برای حفظ کارکنان خود را داشته باشیم.»¹⁷ با این حال، به دلیل هزینه بالای نیروی کار در بسیاری از کشورها، برخی از مدیران در تلاشند تا کارکنان جدید را در داخل افغانستان استخدام کنند تا توانایی‌های سازمان خود را افزایش دهند. فرشته کریم در این مورد می‌گوید:

«وقتی فردی را در افغانستان استخدام می‌کردیم، هزینه بسیار پایین بود، اما اگر بخواهیم فردی را در بریتانیا استخدام کنیم که به لحاظ تخنیک در جذب کمک‌های مالی ماهر باشد، حداقل معاش او باید 2500 پوند باشد که این یک چالش جدی است.»¹⁸

علاوه بر این، اگر این سازمان‌ها قادر به استخدام مشاوران با مهارت در زمینه جذب کمک‌های مالی و توسعه سازمانی، مثلاً در بریتانیا نباشند، نمی‌توانند با استخدام فردی در داخل کشور (در صورت داشتن دفتر در افغانستان) بر این چالش‌ها غلبه کنند، زیرا افراد داخل کشور اطلاعی از چالش‌های موجود در بریتانیا، برای مثال، ندارند. این مسأله تأثیر مستقیم و منفی بر بازگشایی یک سازمان غیردولتی در تبعید دارد.

شهربانو حیدری سرگذشت متفاوتی داشت. از آنجا که سازمان‌های غیردولتی تحت مدیریت پناهندگان از حمایت کافی برخوردار نیستند، او موسسه خود را به جای سازمان غیردولتی به حیث یک انجمن ثبت کرد. او می‌گوید: «از آنجایی که ما پناهنده هستیم و در سیستم ایتالیا در مقایسه با سایر کشورهای اروپایی از حمایت کمتری برخوردار هستیم، تنها راهی که می‌توانیم با آن به فعالیت‌های حقوق بشری خود ادامه دهیم ایجاد یک انجمن است.»¹⁹ ثبت موسسه به حیث انجمن به معنای معافیت از مالیات بلند برای خود سازمان و همچنین از پروژه‌هایی که احتمالاً در آینده خواهد گرفت می‌باشد. با این حال، از آنجا که حوزه فعالیت انجمن با سازمان تفاوت دارد، این امر به‌طور خودکار نوع مداخلاتی را که می‌تواند انجام دهد محدود می‌کند.

1.2.3. ایجاد حساب بانکی

افتتاح حساب بانکی برای سازمان‌های غیردولتی به دلیل موانع بوروکراتیک در برخی کشورها به یک چالش رایج برای مدافعان حقوق بشر تبدیل شده است. به‌عنوان مثال، در جنیوای سوئیس، ثبت یک سازمان غیردولتی بسیار آسان

¹⁶ فرشته کریم، بریتانیا، 25 آگست 2022

¹⁷ عبدالله احمدی، فرانسه، 22 جولای 2022

¹⁸ فرشته کریم، بریتانیا، 25 آگست 2022

¹⁹ شهربانو حیدری، ایتالیا، 3 آگست 2022

است، اما باز کردن حساب بانکی برای آن سازمان کار ساده‌ای نیست. از آنجا که سازمان‌های غیردولتی به منابع مالی وابسته‌اند، بدون داشتن حساب‌های بانکی رسمی نمی‌توانند سازمان و فعالیت‌های خود را گسترش دهند. حتی اگر در دیگر بخش‌ها مشکلی وجود نداشته باشد، همه کارهایشان وابسته به پولی است که از تمویل‌کنندگان دریافت می‌کنند.

یکی دیگر از مسائل حل‌نشده این است که اگر یک سازمان غیردولتی بخواهد در کشوری حساب بانکی باز کند در حالی که کارکنان آن در مکان‌های مختلف پراکنده هستند، ممکن است دو نوع هزینه یا مالیات بر معاش کارکنان اعمال شود – یکی در کشوری که سازمان غیردولتی ثبت شده و پول جمع‌آوری می‌کند، و دیگری از سوی بانکی که کارکنان حساب‌های شخصی خود را در آن دارند. این یکی از دلایلی است که مدافعان حقوق بشر از ثبت سازمان‌های خود در کشور جدید اجتناب می‌کنند، زیرا آنها دقیقاً نمی‌دانند که در خصوص هزینه‌ها یا مالیات‌های مربوط به حقوق کارکنان، اگر حساب سازمان و حساب‌های شخصی کارکنان در کشورهای مختلف باشند، چه اتفاقی خواهد افتاد.

1.3. ظرفیت تخنیک

این بخش بر چالش‌های تخنیک که مدافعان حقوق بشر در روند بازگشایی سازمان‌هایشان و ادامه فعالیت خود در دوران تبعید با آن مواجه هستند تمرکز دارد. بخشی از این چالش‌ها ناشی از شرایط فردی مدافعان حقوق بشر، و بخشی دیگر ناشی از شرایط بوروکراتیک و قانونی در کشور محل اقامت آنان هستند.

1.3.1. پیچیدگی سیستم حقوقی

مدافعان حقوق بشر برای بازگشایی سازمان‌هایشان در کشوری جدید نیاز دارند تا با سیستم حقوقی آن کشور آشنا شوند. با این وجود، تقریباً برای تمامی مدافعان حقوق بشری که مصاحبه شدند، یادگیری جزئیات حقوقی کشور جدید در رابطه با سازمان‌های غیردولتی، و علی‌الخصوص سازمان‌های غیردولتی تحت مدیریت پناهندگان، چالش بزرگی بوده است. عزیز رفیعی در این رابطه می‌گوید:

«بزرگ‌ترین مشکل ما، مشکل قانونی است؛ هنوز نمی‌دانیم قوانین چیستند، آیا باید چیزی را به دولت گزارش دهیم یا نه. قوانین فدرال با قوانین ایالتی بسیار متفاوت هستند. به‌عنوان مثال، ساختار هیئت‌مدیره‌ها و ارتباط آنها با دبیرخانه در این دو قانون متفاوت است... ما معیار کار در کانادا را نمی‌دانیم و اطلاعات لازم در مورد قوانین و نحوه کار آنها در کانادا را نداریم.»²⁰

علاوه بر این، زمانی که مدافعان حقوق بشر به فکر بازگشایی سازمان و ادامه فعالیت‌شان در تبعید می‌افتند و می‌خواهند در مورد کشور جدیدی که در آن زندگی می‌کنند معلومات کسب کنند، اغلب با حجم وسیعی از قوانین و مقررات روبه‌رو می‌شوند. در برخی کشورها، مثلاً در کانادا، هم قوانین ملی وجود دارند و هم قوانین ایالتی که کار را برای مدافعان حقوق بشر دشوار ساخته و اغلب آنها را با انواع مختلف قوانین و مقررات سردرگم می‌کنند. حمیرا ثاقب، مدیر خبرگزاری زنان افغان، می‌گوید: «زمانی که به وبسایت مراجعه کنید، با حجم زیادی از اطلاعات مواجه می‌شوید»²¹ که طبیعتاً درک آن زمان زیادی می‌برد و اغلب باعث می‌شود که آنان کاری انجام ندهند.

²⁰ عزیز رفیعی، کانادا، 23 جولای 2022

²¹ حمیرا ثاقب، کانادا، 2 آگست 2022

مشکل دیگری که در برخی از کشورهای غیرانگلیسی‌زبان به وجود می‌آید، دشواری در پیدا کردن نسخه‌های انگلیسی قوانین است که برای مدافعان حقوق بشر یک چالش دوگانه ایجاد می‌کند. شهربانو حیدری ایتالیا را به‌عنوان مثال ذکر می‌کند. او می‌گوید پیدا کردن مدارک به زبان انگلیسی دشوار است و این چالش را «مشکل جدی»²² برای خود در ایتالیا توصیف می‌کند.

1.3.2. آغاز کار

برخی از مدافعان حقوق بشر که مراحل اولیه برای بازگشایی سازمان‌های خود را انجام داده‌اند، اکنون در وضعیت سرگردانی قرار دارند و نمی‌دانند که چگونه یا از کجا باید کار را آغاز کنند. به نظر درمانده می‌رسند و منتظر کسی بودند که دستشان را بگیرد و کار را شروع کند. به این دلیل، آنان به یک مشاور یا متخصص برای کمک به شروع کار نیاز داشتند. محمد رحیم جامی می‌گوید: «برای ما حد اقل یک و نیم تا دو سال زمان نیاز است تا قوانین و طرزالعمل‌ها را یاد بگیریم، به همین دلیل برای رسیدگی به اسناد نیاز به مشاور حقوقی داریم، هرچند متوجه هستیم که استخدام مشاور بسیار قیمت است.»²³ مدافعان حقوق بشر به این باورند که داشتن مشاور حقوقی برای کمک در مراحل مختلف ثبت و تاسیس یک سازمان غیردولتی کمک به سزایی خواهد کرد.

علاوه بر مشاور حقوقی، مدافعان حقوق بشر به مشاور تکنیکی و مشاور جذب منابع مالی نیز نیاز دارند زیرا قصد دارند تقریباً همه چیز را از صفر شروع کنند. به عنوان مثال، عبدالله احمدی می‌گوید که آنها «شدیداً» به یک مشاور نیاز دارند زیرا محیط اجتماعی، دامنه کاری و روش‌های کاری برای مدافعان حقوق بشر اکنون متفاوت است. او همچنین اضافه می‌کند که مکانیسم‌ها و استراتژی‌هایی که آنها در افغانستان داشتند، اکنون کاملاً تغییر کرده است. بنابراین، آنها به یک مشاور نیاز دارند تا به آنها مشاوره دهد یا ظرفیت همکاری‌شان را ارتقا دهد.²⁴ به همین منوال، عزیز رفیعی می‌گوید: «ما فوراً به یک مشاور حقوقی، مشاور تدوین استراتژی برای تنظیم ارتباطات بین دفاتر، و همچنین مشاور جذب منابع مالی نیاز داریم»²⁵ که به فوریت نیاز به متخصصان حرفه‌ای که به انکشاف یک برنامه استراتژیک برای کارشان کمک کنند اشاره دارد.

نکته دیگری در مورد سازمان‌های غیردولتی که کار خود را در تبعید آغاز می‌کنند این است که آنها نمی‌توانند سازمانی را تأسیس کنند که فقط بر افغانستان تمرکز داشته باشد. این یک الزام از سوی کشورهای میزبان است و به همین دلیل مدافعان حقوق بشر باید خود را به‌عنوان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی بازگشایی کنند که این امر روند ایجاد سازمان‌های جدید در تبعید را پیچیده‌تر می‌کند. عزیز رفیعی این مشکل را تأیید کرده و اضافه می‌کند: «ما به [مشاوران] نیاز داریم تا به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی پیش برویم.»²⁶

تجربه کار در تبعید به خودی خود تجربه‌ای جدید و دشوار برای مدافعان حقوق بشر است. در همین حال تمرکز بر کشورهای که اطلاعات یا درک چندانی از آنها ندارند موضوع را به چالشی جدی تبدیل می‌کند. حتی در صورتی که برای مدتی مشاور داشته باشند نیز شروع کار به نظر دشوار می‌رسد، مگر آن که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به طور مستقیم این بخش را تا زمانی که سازمان‌های غیردولتی قادر به انجام این مسایل شوند مسئولیت آن را به عهده بگیرند.

²² شهربانو حیدری، ایتالیا، 3 آگست 2022

²³ محمد رحیم جامی، کانادا، 23 جولای 2022

²⁴ عبدالله احمدی، فرانسه، 22 جولای 2022

²⁵ عزیز رفیعی، 23 جولای 2022

²⁶ عزیز رفیعی، 23 جولای 2022

1.3.3. بوروکراسی

فرایند اداری ثبت یک سازمان غیردولتی برای مدافعان حقوق بشر در تبعید از یک کشور تا کشور دیگر متفاوت است. به عنوان مثال، فعالان مقیم کانادا، ایتالیا، ایالات متحده و بریتانیا از فرایند اداری طولانی و پیچیده‌ای که در ثبت سازمان‌های خود با آن مواجه شده‌اند شکایت کرده‌اند. با این حال، در برخی کشورها مانند فرانسه و سویدن، این فرایند اداری چندان پیچیده نبوده و فعالان توانسته‌اند به راحتی سازمان‌های خود را ثبت کنند. برای ماری اکرمی که در ایالات متحده زندگی می‌کند، ثبت سازمانش یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها بود که در مصاحبه بارها به عنوان مانعی جدی به آن اشاره کرد. او که از فبروری 2022 فرایند ثبت را آغاز کرده بود، تا زمان مصاحبه در آگست 2022 نتوانسته بود سازمان خود را ثبت کند، حتی با وجود اینکه یک سازمان آمریکایی آن را حمایت می‌کرد که این حمایت شرطی ضروری برای ثبت سازمان است. او با بیان اینکه «اینجا کاغذبازی زیادی وجود دارد»²⁷، احساس ناامیدی خود از این فرایند را به طور واضح ابراز کرد. فرشته کریم که در بریتانیا مستقر شده است نیز این ناامیدی را تجربه کرده و فرایند ثبت را «طولانی و زمان‌بر»²⁸ توصیف کرده است. این فرایند چهار تا پنج ماه برای او به طول انجامیده بود. محمد رحیم جامی، مقیم کانادا، نیز اظهار داشت که به دلیل پیچیدگی سیستم و معیارهای ارائه‌شده توسط دولت کانادا، نتوانسته است تمامی چک‌لیست‌های موردنیاز را تکمیل کند.²⁹

1.3.4. جذب منابع مالی

سازمان‌های غیردولتی به لحاظ جذب منابع مالی با بنیادها یا انجمن‌ها تفاوت دارند، زیرا به بودجه‌های دریافتی از تمویل کنندگان وابسته هستند. هرچند جذب کمک‌های مالی همواره یکی از چالش‌های فعالان حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی در افغانستان بوده، اما آن‌ها پس از سال‌ها همکاری با تمویل کنندگان مختلف، تا حدودی با روش‌های جذب کمک‌ها در داخل کشور آشنا شده بودند. همچنین برخی سازمان‌های غیردولتی چندین سال بودجه اصلی خود را از این راه تامین کرده‌اند. با این حال، پس از انتقال به کشورهای دیگر، جذب کمک‌های مالی به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های این فعالان تبدیل شده است. برخی از تمویل کنندگان قبلی دیگر از آن‌ها حمایت نمی‌کنند و فعالان نیز نمی‌دانند چگونه با سازمان‌های جدید تمویل کننده آشنا شوند. برخی از فعالان حقوق بشر اعلام کردند که با تمویل کنندگان قبلی خود تماس گرفته‌اند اما در جلب حمایت آن‌ها برای برنامه‌های جدید خود موفق نبوده‌اند، زیرا شرایط و معیارها با توجه به تغییرات زمینه‌ای، تغییر کرده است.

فرشته کریم به کمبود ظرفیت جذب کمک‌های مالی که به نظر او در سازمان غیردولتی‌اش وجود داشت اشاره می‌کند:

«پس از سقوط افغانستان، نه تنها از منابع مالی برخوردار نبودیم بلکه مهارت‌های لازم برای جذب منابع مالی را نیز نداشتیم. ما نزد تمویل کنندگان ثبت نبودیم و توانایی تقویت مهارت‌های جذب کمک‌های مالی را به عنوان یک تیم نداشتیم که این موضوع یک مشکل جدی بود.»³⁰

²⁷ ماری اکرمی، ایالات متحده آمریکا، 27 آگست 2022

²⁸ فرشته کریم، بریتانیا، 25 آگست 2022

²⁹ محمد رحیم جامی، کانادا، 23 جولای 2022

³⁰ فرشته کریم، بریتانیا، 25 آگست 2022

وی در ادامه افزود که با تعدادی از موسسات در مورد جذب کمک‌های مالی صحبت کرده است، اما حس می‌کند: «[جذب کمک‌های مالی] نیاز به شبکه دارد که ما آن را در کابل داشتیم، اما حالا احساس می‌کنیم که بسیاری از افرادی که در سازمان‌های مختلف کار می‌کنند را نمی‌شناسیم.»³¹ او معتقد است که جذب کمک‌های مالی بدون مهارت‌ها و آشنایی با افراد در سازمان‌های بین‌المللی دشوار خواهد بود.

1.3.5. وفق‌پذیری مسلکی

در برخی کشورها، مدافعان حقوق بشر نمی‌توانند سازمانی را تأسیس کنند که فقط بر افغانستان تمرکز داشته باشد و بنابراین مجبورند یک سازمان بین‌المللی غیردولتی ایجاد کنند که بر چندین کشور تمرکز دارد. این الزام آن‌ها را در موقعیت دشواری قرار داده و چالش‌هایشان را دو چند کرده است. این موضوع به معنای آن است که باید سازمان خود را از پایه بازتعریف کنند. این امر آن‌ها را ملزم به تدوین استراتژی سازمانی، انکشاف انواع مختلف پالیسی، و بازنگری در نام، نشان، چشم‌انداز و مأموریت سازمان می‌کند. رسیدگی به تمام این مسائل، مد نظر گرفتن عوامل مختلف، و توافق بر سر همه این موضوعات روندی بسیار زمان‌گیر بوده و امر ساده‌ای مانند تأسیس مجدد یک سازمان غیردولتی را بسیار پیچیده می‌سازد. چنانچه حمیرا ثاقب به آن اشاره می‌کند: «باور کنید که یک ماه تمام فقط بر سر انتخاب نام برای سازمان غیردولتی مان سردرگم بودیم.»³² انتخاب نام تنها یکی از جنبه‌های این چالش‌های چند بُعدی است.

در صورتی که مدافعان حقوق بشر بخواهند در داخل افغانستان نیز دفتری داشته باشند مجبورند شرایط مقامات دی‌فکتوی افغانستان را نیز مد نظر داشته باشند. عبدالله احمدی در این رابطه می‌گوید آنان بحث زیادی در مورد جایگزینی برای واژه «دموکراسی» در نام سازمان خود داشتند، زیرا از آنان این طور خواسته شده بود. یکی از محورهای توجه برای سازمان‌های غیردولتی در افغانستان دموکراسی‌سازی بود و خودشان نیز می‌خواستند این کار را ادامه دهند، اما مقامات دی‌فکتوی افغانستان آنان را وادار ساختند که کلمه دموکراسی را حذف کنند. این مساله اعضای سازمان را به این فکر واداشت که چگونه این کلمه را حذف کنند و آیا می‌توان آن را با کلمه‌ای دیگر جایگزین کرد که حوزه کاری آنان را پوشش دهد یا خیر.

چالش وفق‌پذیری مسلکی فقط به نام یا سایر مسائل تکنیکی محدود نمی‌شود. به گفته فرشته کریم، این چالش همچنین شامل فرایند طولانی آشنایی با فرهنگ جدید و عضویت در چرخه کاری و محیط کار نیز می‌شود. مدافعان حقوق بشر باید به بسیاری از پرسش‌ها خودشان پاسخ دهند، از جمله اینکه سازمان‌های غیردولتی چگونه پروژه‌های خود را تأمین مالی می‌کنند، منابع مالی آن‌ها از کجا تأمین می‌شود و نحوه عملکردشان چگونه است. او فرایند آشنایی با فرهنگ کاری جدید و هماهنگ شدن با آن را فرآیندی زمان‌بر و چالش‌برانگیز توصیف می‌کند که بازگشایی سریع یک سازمان غیردولتی را دشوار می‌سازد.³³

³¹ فرشته کریم، بریتانیا، 25 آگست 2022

³² حمیرا ثاقب، کانادا، 2 آگست 2022

³³ فرشته کریم، بریتانیا، 25 آگست 2022

2. فرصت‌های بازگشایی

این بخش به فرصت‌های بالقوه‌ای می‌پردازد که مدافعان حقوق بشر افغان برای بازسازی سازمان‌های غیردولتی خود در دوران تبعید در اختیار دارند.

2.1. انگیزه و تعهد مدافعان حقوق بشر در تبعید

فعالان حقوق بشر افغان علاقه و اشتیاق فراوانی به حقوق بشر در افغانستان دارند، به خصوص در این زمان حساس که بسیاری از حقوق مردم، به‌ویژه زنان و دختران، توسط مقامات دی‌فکتو نقض می‌شود. عزیز رفیعی با تأکید بر این احساس مشترک میان همه مدافعان حقوق بشر افغان که نمی‌توانند در برابر نقض حقوق مردم خود سکوت کنند، می‌گوید: «مردم افغانستان شایسته این مجازات نیستند.»³⁴ مدافعان حقوق بشر نه تنها انگیزه‌ای قوی برای دفاع از حقوق مردم افغانستان دارند، بلکه وظیفه خود می‌دانند که به این امر متعهد باشند و چنین هم هست. این نوع روحیه و تعهد در میان مدافعان حقوق بشر در تبعید به‌عنوان یک مزیت و فرصتی برای کار در زمینه حقوق بشر در تبعید دیده می‌شود.

2.2. حمایت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

برخی از مدافعان حقوق بشر بر این باورند که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و تمویل‌کنندگان می‌توانند در بازسازی سازمان‌های غیردولتی آن‌ها در تبعید کمک کنند. برخی از تمویل‌کنندگان بودجه‌ای مشخص دارند که مدافعان حقوق بشر می‌توانند از آن برای ساختاریندی مجدد سازمان، ثبت مجدد، استخدام مشاور برای بازتعریف نقش و استراتژی سازمان، و همچنین دریافت مشاوره حرفه‌ای جهت تجدید اسناد مورد نیاز برای آغاز مجدد استفاده کنند. برخی از مدافعان حقوق بشر به‌صورت انفرادی و معمولاً به‌طور پاره‌وقت با برنامه‌های مرتبط با افغانستان برخی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، مانند «مدافعان خط مقدم»³⁵ و «سازمان جهانی مبارزه با شکنجه»³⁶ همکاری می‌کنند.

برخی از سازمان‌ها تمایل دارند که مدافعان حقوق بشر را از طریق برنامه‌های فلوشیپ در فعالیت‌های حقوق بشری مشغول نگه دارند. برای مثال، اداره همکاری‌های توسعه بین‌المللی سوئدن از برنامه‌های فلوشیپ برای مدافعان حقوق بشر در انستیتوت راول ولنبرگ حمایت می‌کند. همچنین، با ایجاد موقوف استاد مهمان در این انستیتوت، اداره همکاری‌های توسعه بین‌المللی سوئدن از مأموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل، ریچارد بنت، و سه دستیار افغان او در زمینه حقوق بشر در افغانستان حمایت می‌کند. با این حال، اکثر مدافعان حقوق بشر افغان چشم‌انداز، استراتژی یا تعهد واضحی از سوی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در رابطه با حمایت طولانی‌مدت از خودشان، به‌ویژه از سازمان‌های غیردولتی‌شان در تبعید، نمی‌بینند. آن‌ها در پاسخ به پرسش‌ها در مورد فرصت‌های دیگر، چیزی برای ذکر کردن نداشتند. مدافعان نگران این هستند که نتوانند در فعالیت‌های حقوق بشری مشغول شوند و نگران آن هستند که اگر در حوزه‌های دیگری فعالیت کنند، توانایی و مهارت‌های حقوق بشری خود را از دست بدهند.

³⁴ عزیز رفیعی، کانادا، 23 جولای 2022

³⁵ Front Line Defenders

³⁶ World Organization Against Torture

3. چالش‌های عملیاتی

این بخش به چالش‌هایی می‌پردازد که مدافعان حقوق بشر به‌عنوان سازمان‌های غیردولتی هنگام آغاز کار واقعی خود در تبعید با آن مواجه می‌شوند. استفاده از مدل IPO³⁷ (درونداد، فرایند، برونداد) به منظور نمایش بهتر مراحل مختلف عملکرد یک سازمان غیردولتی مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین، چالش‌ها به سه موضوع اصلی تقسیم شده‌اند که نمایانگر سه مرحله مختلف عملکرد نیز هستند: 1) درونداد: شامل چالش‌های مرتبط با منابع انسانی و مالی است؛ 2) فرایند: به چالش‌های مربوط به کار واقعی و اقدامات انجام‌شده می‌پردازد؛ 3) برونداد: به چالش‌های مرتبط با نتایج عملکرد یا مداخله‌ها توجه دارد.

3.1. چالش‌های درونداد

در این بخش به چالش‌های منابع بشری و منابع مالی پرداخته خواهد شد.

3.1.1. انتقال پول

برای مدافعان حقوق بشر که همچنان در افغانستان هستند و سازمان‌های غیردولتی که هنوز در آنجا کارمند دارند، انتقال پول به داخل کشور از خارج یک چالش بزرگ است، زیرا بانک‌های افغانستان یا تحت تحریم قرار دارند یا تحت کنترل مقامات دی‌فکتو هستند. به همین دلیل، شماری از مدافعان حقوق بشر از سیستم «حواله» استفاده می‌کنند. این سیستم یک روش غیررسمی برای انتقال پول به افغانستان است. به این شکل که مدافعان حقوق بشر پول را به یک دفتر صرافی که در افغانستان نیز نمایندگی داشته باشد تحویل داده، و سپس شخص دریافت‌کننده می‌تواند از نمایندگی این صرافی در داخل افغانستان پول را نقدا دریافت کند. در این میان مبلغی به عنوان هزینه از مجموع پول کاسته می‌شود که به نظر مدافعان حقوق بشر زیاد به صرفه نیست.

برای مثال، ودود پدرام، مدیر سازمان حقوق بشر و محو خشونت، می‌گوید: «ما نمی‌توانیم پول را مستقیماً به پروژه‌های داخل افغانستان ارسال کنیم. پول باید به اینجا بیاید، اما مرحله بعدی، یعنی اینکه چگونه پول را به افغانستان ارسال کنیم، برای ما مشخص نیست.»³⁸ محمد رحیم جامی این مشکل را از زاویه دیگری بررسی می‌کند و می‌گوید: اولاً، آنها نمی‌توانند پولی به افغانستان منتقل کنند؛ و ثانیاً، این پرسش نیز مطرح است که چگونه پول خرج‌شده در افغانستان را پس از آن که به افغانستان انتقال شد به مقامات کانادایی گزارش دهند.³⁹

برخی از سازمان‌های غیردولتی، مانند سازمانی که عزیز رفیعی رئیس آن است، این ایده را داشتند که دو هیئت مدیره تشکیل دهند، یکی در کابل و دیگری در کانادا، و یک تفاهمنامه استراتژیک میان این دو امضا کنند تا بتوانند پولی که در کانادا جمع‌آوری می‌شود به افغانستان منتقل کنند و پولی که در افغانستان جمع‌آوری می‌شود را به کانادا انتقال دهند. به نظر آن‌ها، این راه‌حلی مناسب است زیرا به عقیده عزیز رفیعی، سازمان‌های غیردولتی نمی‌توانند پولی که در کانادا جمع‌آوری شده را خرج کنند و آن را به خارج از کشور منتقل کنند.

³⁷ Input, Process, Output

³⁸ ودود پدرام، کانادا، 23 جولای 2022
³⁹ محمد رحیم جامی، کانادا، 27 جولای 2022

چالش دیگر برای سازمان‌های غیردولتی در تبعید، پرداخت حقوق کارکنانشان در تبعید است. این مساله به‌ویژه برای مدافعان حقوق بشر که در اروپا زندگی می‌کنند و در پروژه‌های کوتاه‌مدت فعالیت دارند، بیشتر صدق می‌کند. دلیل این امر آن است که مدافعانی که هنوز وظایف رسمی در آن کشور ندارند، از حمایت‌های اجتماعی دولت بهره‌مند می‌شوند. اگر در پروژه‌ای به کار گرفته شوند، حمایت‌های اجتماعی آن‌ها قطع می‌شود، و این موضوع برای پروژه‌های کوتاه‌مدت مشکل‌ساز است، زیرا پس از پایان پروژه، وقفه‌ای در دریافت این حمایت‌ها ایجاد می‌شود و آن‌ها مجبور خواهند بود برای بازگرداندن حمایت‌های اجتماعی با مقامات مربوطه وارد تعامل شوند، که خود فرایندی پر از پیچیدگی‌های اداری است.

3.1.2. وضعیت تمویل کنندگان و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

مدافعان حقوق بشر برای بازگشایی سازمان غیردولتی‌شان در تبعید نیازمند حمایت، مخصوصاً حمایت مالی، توسط تمویل کنندگان و نهادهای همکار هستند. با این وجود، طی گفتگو با مدافعان حقوق بشر بارها یاد شد که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و ادارات تمویل کننده در وضعیت تعلیق قرار دارند و تا کنون راهکار خاصی برای حمایت از مدافعان حقوق بشر افغان در تبعید نسنجیده‌اند. به عنوان مثال، ودود پدرام می‌گوید: «صادقانه بگویم، هنوز نفهمیده‌ایم سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهند برای افغانستان چه کاری انجام دهند.»⁴⁰ به نحوی به سردرگمی و عدم قاطعیت سازمان‌های بین‌المللی در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان اشاره دارد.

عبدالله احمدی با توجه به وضعیت تمویل کنندگان می‌گوید: «بسیاری از تمویل کنندگان گیج شده‌اند، برنامه‌های مشخصی ندارند، بسیاری از برنامه‌هایشان در افغانستان تنها نیمه‌تمام رها شدند، آن‌ها نیاز دارند برنامه‌های خود را بازتعریف کنند، برخی از آن‌ها به برنامه‌های بشردوستانه تغییر مسیر داده‌اند.»⁴¹ به نظر می‌رسد که برخی از مدافعان حقوق بشر افغان منتظر هستند تا سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، به‌ویژه نهادهای تمویل کننده، برنامه‌های خود را در افغانستان دوباره جهت‌بندی کنند تا آن‌ها بتوانند سازمان‌های غیردولتی خود را مطابق با آن بازتعریف کنند. همان‌طور که رحیم جامی می‌گوید: «ما منتظر هستیم تا سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی استراتژی خود را در مورد افغانستان مشخص کنند و سپس به آن‌ها رجوع خواهیم کرد.»⁴² وی ادامه می‌دهد: «کار ما بستگی به این دارد که آیا منابعی پیدا می‌کنیم یا نه، اینکه چقدر محیط به ما اجازه کار در افغانستان را می‌دهد، و اینکه تا چه اندازه سازمان‌ها و کشورها به ارزش‌های حقوق بشر پایبند هستند.»⁴³ او اضافه می‌کند که همه چیز به جز برخی برنامه‌های بشردوستانه و فعالیت‌های دادخواهانه، هنوز در حالت تعلیق است.⁴⁴

از سوی دیگر، شماری از فعالان به این باورند که بدون در نظر داشت حمایت سازمان‌های بین‌المللی، آنان وظیفه دارند تا برای وضعیت حقوق بشر در افغانستان دادخواهی کنند. به عنوان مثال، عزیز رفیعی می‌گوید:

«حقوق بشر مقوله‌ای غربی نیست، بلکه مقوله‌ای از سوی مردم افغانستان است. مردم افغانستان به حقوق بشر نیاز دارند، آن‌ها حق دارند که به‌عنوان انسان زندگی کنند و به‌عنوان اعضای جامعه انسانی به‌طور شایسته پذیرفته شوند. این وظیفه بزرگی است که تمام رهبران سیاسی و اجتماعی افغانستان باید با آن مواجه شوند.»

⁴⁰ ودود پدرام، کانادا، 23 جولای 2022

⁴¹ عبدالله احمدی، فرانسه، 22 جولای 2022

⁴² محمد رحیم جامی، کانادا، 27 جولای 2022

⁴³ محمد رحیم جامی، کانادا، 27 جولای 2022

⁴⁴ محمد رحیم جامی، کانادا، 27 جولای 2022

حقوق بشر اختراع غرب نیست، بلکه نتیجه تلاش‌های عظیم مردم است که پس از میلیون‌ها سال به این نقطه رسیده‌اند. نمی‌توان پذیرفت که نقض حقوق بشر در افغانستان قابل قبول باشد، اما نباید در ایالات متحده رخ دهد. و هر انسانی باید نسبت به مسائل حقوق بشر حساس باشد و به آرمان دادخواهی حقوق بشر متعهد بماند.⁴⁵

او به مسئولیت مدافعان حقوق بشر افغانستان اشاره کرده و می‌گوید کسانی که از افغانستان هستند نباید منتظر تمویل‌کنندگان یا سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی بمانند تا از آن‌ها حمایت کنند، بلکه باید خودشان درباره وضعیت حقوق بشر در افغانستان اقدام کنند. با این حال، پرسش این است که مدافعان حقوق بشر افغانستان تا چه اندازه می‌توانند بدون دریافت بودجه و حمایت از سایر سازمان‌ها، از تبعید برای دادخواهی حقوق بشر ادامه دهند.

به نظر می‌رسد که تمویل‌کنندگان و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی ترجیح می‌دهند با سازمان‌های غیردولتی داخل کشور کار کنند و از همکاری با سازمان‌ها یا نهادهای حقوق بشری خارج از افغانستان خودداری می‌کنند. این پالیسی تمویل‌کنندگان و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی چالشی برای مدافعان حقوق بشر در تبعید تلقی می‌شود. از نظر تمویل‌کنندگان فعالان حقوق بشری که در خارج از افغانستان به سر می‌برند از مسائل در سطح مردمی فاصله گرفته‌اند و نمی‌توانند به طور موثر با وضعیت داخل افغانستان درگیر شوند. طی گفتگو با دو اداره انکشافی و سازمان بین‌المللی غیردولتی واضح بود آنها در همکاری با مدافعان حقوق بشر در تبعید احتیاط زیادی به خرج می‌دهند، در حالی که ضمن تاکید بر همکاری با سازمان‌های غیردولتی داخل کشور به این امر افتخار نیز می‌کنند. همکاری با سازمان‌های داخل افغانستان ضروری است، اما برخی فعالیت‌ها به دلیل مقررات سخت‌گیرانه مقامات دی‌فکتو در داخل کشور امکان‌پذیر نیست.

مدافعان حقوق بشر و مردم در افغانستان فرصتی برای دادخواهی ندارند، در حالی که مدافعان حقوق بشر در تبعید این فرصت را دارند تا از طریق دریچه‌های مختلف و در کشورهای گوناگون، به‌ویژه در رویدادهای شورای حقوق بشر سازمان ملل، برای بازگشایی فضای مدنی افغانستان دادخواهی کنند. همچنین، به دلیل محدودیت‌های شدید و نفوذ مقامات دی‌فکتو بر برخی از سازمان‌های غیردولتی فعال در افغانستان، افرادی که حقوق‌شان نقض می‌شود نمی‌توانند به سازمان‌های محلی اعتماد کنند تا روایت‌هایشان را به اشتراک بگذارند. در عوض، بیشتر احتمال دارد به مدافعان حقوق بشری که خارج از افغانستان هستند و به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی دسترسی دارند اعتماد کنند تا اطلاعاتشان را منتقل کنند.

این‌ها بیشتر وظایف مدافعان حقوق بشر در تبعید است: آن‌ها می‌توانند اطلاعات معتبر را جمع‌آوری، تحلیل و به‌آسانی به ذینفعان مختلف منتقل کنند. آنان همچنین می‌توانند بر نقض حقوق بشر در افغانستان نظارت کرده و از آن گزارش دهند. علاوه بر آن، آنان می‌توانند با برگزاری رویدادهای هنری، شعله حقوق بشر را حتی از تبعید روشن نگه دارند. در عین حال، مدافعان حقوق بشر در تبعید از فرصت‌های بهتری برای دادخواهی برخوردارند. آنان می‌توانند به راحتی و آزادانه در جلسات و گردهمایی‌ها در خارج از افغانستان شرکت کنند تا بر مقامات دی‌فکتو برای بهبود وضعیت حقوق بشر فشار بیاورند.

برخی از مدافعان حقوق بشر به این باورند که هیئت معاونت سازمان تمایل بیشتری به کار با سازمان‌های غیردولتی داخل افغانستان دارند. در همین حال برخی از فعالان حقوق بشر معتقدند که سازمان‌های داخل کشور برنامه‌هایشان را مطابق با دستور کار مقامات دی‌فکتو طرح کرده، و به اعتقادی به حقوق بشر ندارند و یا هم بیشتر متمرکز بر کمک‌های

⁴⁵ عزیز رفیعی، کانادا، 23 جولای 2022

بشردوستانه هستند تا حقوق بشر. آنان می‌گویند یوناما به این دلیل متمایل به کار با این سازمان‌ها در داخل کشور است چون کار یوناما را به مراتب آسانتر می‌کند. با این رویکرد، یوناما مجبور به خواستن چیزهایی که خلاف پالیسی مقامات دی‌فکتو هستند نخواهد شد، بدین ترتیب، این نهاد به مشکلی برنخواهد خورد.

این مدافعان حقوق بشر می‌گویند که این سازمان‌های غیردولتی «سازمان‌های هماهنگ‌کننده جایگزین در افغانستان ایجاد کرده‌اند و مدام به ما می‌گویند که ما حضور فیزیکی نداریم و با یوناما ملاقات می‌کنند و سپس یوناما بر ما فشار می‌آورد»⁴⁶، و اضافه می‌کنند که پیشنهادات آن‌ها به‌طور جدی توسط یوناما در نظر گرفته نمی‌شوند. این مدافعان حقوق بشر ادامه می‌دهند که:

«[سازمان‌های غیردولتی در افغانستان] با برنامه‌های حقوق بشر ما همدلی نکرده و بهانه می‌آورند که [ما] آن‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهیم. همچنین، از آنجا که آن‌ها می‌توانند منابعی را در داخل افغانستان به دست آورند و طالبان را راضی کنند، اعتبار و مشروعیت ما را زیر سوال می‌برند. آن‌ها گروه‌های هماهنگی مشترک مشابهی تشکیل داده‌اند و بیانیه‌هایی صادر کرده و می‌گویند که آن‌ها نمایندگان هستند، اما در بیانیه‌هایشان از گروه طالبان حمایت می‌کنند.»⁴⁷

به طور کلی، آن‌ها بر این باورند که برخی از فعالان حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی که در افغانستان فعالیت می‌کنند و از نهادهای تمویل‌کننده منابع دریافت می‌کنند و با مقامات دی‌فکتو در افغانستان در ارتباط هستند، در تلاش‌اند تا فعالان حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی خارج از کشور را بی‌اعتبار کنند و فعالیت‌هایی انجام دهند که هیچ ارتباطی با حقوق بشر ندارد و به نفع مقامات دی‌فکتو است. با این حال، فعالان حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی مقیم در تبعید خواستار به رسمیت شناختن صدای خود و وجودشان در خارج از کشور به عنوان فعالان حقوق بشر یا سازمان‌هایی که حقوق بشر مردم افغانستان برایشان اولویت دارند هستند.

3.1.3. خطرات

به نظر می‌رسد که خطرات به فعالان حقوق بشر اجازه نمی‌دهد که به راحتی، چه در داخل کشور و چه در خارج از آن، فعالیت کنند. همانطور که در مورد فعالان حقوق بشر افغان در تبعید دیده می‌شود، آنان همچنان از خطراتی که خودشان و همکارانشان را به ویژه در افغانستان توسط مقامات دی‌فکتو تهدید می‌کنند هراس دارند. به دلیل این خطرات، برخی از فعالان حقوق بشر که هنوز همکاری عضو سازمان‌شان در داخل افغانستان دارند، نمی‌توانند فعالیت‌ها یا نظرات خود را به‌طور علنی یا به نمایندگی از سازمانشان بیان کنند، زیرا این کار ممکن است همکارانشان را در معرض خطر قرار دهد. رحیم جامی می‌گوید که شماری از اعضای سازمان غیردولتی داخل افغانستان از کار در برخی پروژه‌ها به دلیل این خطرات و تهدیدها خودداری کرده‌اند. با این حال، این فقط همکاران ساحوی نیستند که در معرض خطرند، بلکه خویشاوندان آنان نیز در خطر هستند. در بسیاری از موارد، این مدافعان حقوق بشر مجبور به خودسانسوری، ساکت ماندن، و یا عدم حضور در مکانهای خاص یا جلسات ضروری شده‌اند، زیرا از سوی مقامات دی‌فکتو زیر تهدید بوده‌اند. در صورتی که نگرانی‌های مدافعان حقوق بشر در این زمینه‌ها رسیدگی نشوند، اکثر آنان قادر به اشتراک در رویدادها و سهمگیری معنادار نخواهند بود، و حتی اگر هم اشتراک کنند و برنامه‌هایی نیز برگزار کنند، قادر به علنی ساختن تلاش و کار خود نخواهند بود. این امر به خودی خود بر موثریت کار و برنامه‌های آنان تاثیر منفی می‌گذارد. برای مثال، به دلیل این خطرات، برخی از فعالان حقوق بشر که خانواده‌هایشان را در افغانستان پشت سر گذاشتند و در جلسات پنجاهم و

⁴⁶ ناشناس

⁴⁷ ناشناس

پنجاهویکم شورای حقوق بشر سازمان ملل در جنیوا مداخلات مختلفی داشتند، نتوانستند درباره مشارکت‌های خود صحبت کنند یا حتی آن‌ها را در رسانه‌های اجتماعی خود به اشتراک بگذارند.

3.2. چالش‌های فرایند

این بخش به چالش‌های فعالیت یک سازمان غیردولتی افغان در داخل و خارج از کشور و همچنین انواع چالش‌هایی که هنگام شروع عملیاتی کار در تبعید با آن مواجه خواهد شد می‌پردازد.

3.2.1. خودسانسوری

به دلیل تهدیدات مقامات دی‌فکتو، فعالان حقوق بشر که در خارج از افغانستان فعالیت می‌کنند، برخی از کارهای خود را سانسور کرده و گاهی تحت نامی دیگر برای حقوق بشر دادخواهی می‌کنند. کسانی که حتی در خارج از کشور کاری در این راستا انجام می‌دهند، به دلیل این تهدیدات علیه همکاران یا خانواده‌های گسترده‌شان که هنوز در افغانستان هستند، نمی‌خواهند در شبکه‌های اجتماعی فعال باشند. برخی از فعالان حقوق بشر - از ذکر نام آن‌ها و سازمان‌هایشان خودداری می‌کنم - همچنان همکاری در افغانستان دارند که به‌طور مخفیانه برای حقوق بشر کار می‌کنند. آن‌ها تحت نام‌هایی فعالیت می‌کنند که از مقامات دی‌فکتو مخفی و ناشناس باقی بمانند. برخی از مدافعان حقوق بشر اظهار داشتند که همکارانشان در افغانستان نیز با نام‌های واقعی خود کار نمی‌کنند. به نظر می‌رسد تهدیدات مقامات دی‌فکتو چالشی جدی برای مدافعان حقوق بشر باشد، زیرا ممکن است آن‌ها در تبعید بسترها و فرصت‌هایی داشته باشند، اما نمی‌توانند به‌طور علنی فعالیت کنند و نتایج کار خود را نشان دهند.

علاوه بر خودسانسوری، در مورد شهربانو حیدری که در ایتالیا فعالیت می‌کند گزارش شده که مدافعان حقوق بشر فضایی برای مانور فعالیت‌هایشان ندارند، زیرا که دولت ایتالیا پیش از پیش یک سلسله اهداف و فعالیت‌هایی را برای آنان تعیین کرده که باید در آن راستا کار کنند. وی می‌گوید: «دولت ایتالیا یک سلسله اهداف برای انجمن ما تعیین کرده و ما مجبوریم از جمله آن اهداف پیشنهادی یکی را انتخاب کرده و فعالیت‌های خود را بر آن اساس تعریف کنیم.»⁴⁸ این مساله کار مدافعان حقوق بشر در تبعید را محدود می‌کند.

3.2.2. فشار از سوی طالبان

مدافعان حقوق بشر بر این باورند که مقامات دی‌فکتو به‌طور قابل‌توجهی فعالیت سازمان‌های غیردولتی در افغانستان را با ایجاد چالش‌ها و موانع متعدد و اعمال نفوذ بر فعالیت‌های آن‌ها مختل می‌کنند. این موضوع یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای مدافعان حقوق بشر افغانستان است، زیرا تقریباً همه آن‌ها درباره این مساله اظهار نظر کردند. یکی از آن‌ها می‌گوید: «طالبان در کار سازمان‌های غیردولتی خارجی مداخله می‌کنند، زیرا به ادعای طالبان، این سازمان‌ها برخی از ولایات و افراد خاص را ارجحیت می‌دهند»⁴⁹ و تلاش می‌کنند کمک‌ها را به سمت هواداران خود و مناطق و افرادی که به

⁴⁸ شهربانو حیدری، ایتالیا، 3 آگست 2022

⁴⁹ ناشناس

آن‌ها نزدیک هستند، هدایت کنند⁵⁰. در بحث با مدافعان حقوق بشر داخل و خارج از کشور، آن‌ها اظهار داشتند که طالبان همچنین به سازمان‌های غیردولتی قدیمی فشار می‌آورند تا مدیران‌شان در داخل کشور باشند و تلاش می‌کنند مدیرانی را که در تبعید هستند، اخراج کنند.

فرشته کریم، که در زمینه حقوق اطفال، به‌ویژه حق آن‌ها در زمینه تعلیم و تربیه، فعالیت می‌کند و چندین کتابخانه سیار در افغانستان را اداره می‌کند، نگرانی‌های خود را درباره تولید محتوای مناسب برای کودکان به اشتراک گذاشت. او می‌گوید: «چالش این است که محتوای خود را به‌گونه‌ای طراحی کنیم که محتوا، تأثیر و رویکرد ما پر از تنش نباشد.»⁵¹ او در تلاش است محتوایی تولید کند که با اصول علمی هم‌خوانی داشته باشد و در عین حال ایدئولوژی مقامات دی‌فکتو و واکنش احتمالی آن‌ها به محتوا و برنامه‌ها را نیز در نظر بگیرد.

به گفته مدافعان حقوق بشر، به نظر می‌رسد که طالبان سازمان‌های غیروابسته را در حالت بالفعل به عنوان انشعابی خارجی در افغانستان تلقی کرده و آن را جایگزینی برای منابع مالی از دست رفته می‌دانند. اما در عین حال، طالبان می‌دانند که حجم عظیمی از منابع مالی از طریق همین سازمان‌ها وارد کشور می‌شوند، از همین رو به ناچار این وضعیت را تحمل می‌کنند. مدافعان حقوق بشر می‌گویند که مقامات دی‌فکتو نتوانسته‌اند سازمان‌های غیردولتی را در افغانستان ممنوع کنند و به همین دلیل به راهبردهایی متوسل شده‌اند تا از حضور این سازمان‌ها در کشور درآمدزایی کرده، از سازمان‌های غیردولتی همسو با خود حمایت کنند و خودشان نیز سازمان‌های غیردولتی تأسیس کنند.⁵² به گفته مدافعان حقوق بشر، طالبان نفوذ خود را بر توزیع و انحراف کمک‌های بشردوستانه ملی و بین‌المللی در کشور نه تنها از طریق انحراف کمک‌ها، بلکه همچنین از طریق انحراف سیستماتیک پروژه‌ها و برنامه‌هایی که توسط سازمان‌های غیردولتی آغاز شده‌اند، اعمال می‌کنند. هنگامی که طالبان نتوانند یک پروژه یا کمک را طبق میل خودشان منحرف کنند، از سازمان‌های غیردولتی می‌خواهند که کارکنان پروژه‌ها یا سازمان را از میان نیروهای طالبان جذب کنند.

به گزارش برخی از رسانه‌ها، مقامات دی‌فکتو در برخی از ولایات افغانستان به‌طور رسمی به سازمان‌های غیردولتی دستور داده‌اند که بدون نظارت آن‌ها هیچ فردی را به‌عنوان کارمند استخدام نکنند. در صورت اجرایی شدن این تصمیم در سطح کشور، این می‌تواند گامی به‌سوی انحصارگرایی و طالبانیزه‌سازی سکتور سازمان‌های غیردولتی در افغانستان باشد. به‌تازگی، تمامی زنان از کار در ادارات دولتی و همچنین در سازمان‌های غیردولتی داخلی و بین‌المللی در افغانستان ممنوع شده‌اند که نمونه‌ای بارز از تبعیض علیه زنان در این کشور به‌شمار می‌رود.

3.2.3. پایداری

مدافعان حقوق بشر نگرانند که نتوانند مانند سایر سازمان‌های غیردولتی که چالش‌ها و موانع مشابه آنان را ندارند، نتوانند در کشور تبعید به فعالیت خود ادامه دهند. به عنوان مثال، حوریه مصدق می‌گوید: «سازمان‌هایی که در این کشورها در حال کار هستند، سال‌هاست که فعالیت می‌کنند، اما برای ما زمان زیادی لازم است تا خود را با محیط جدید تطبیق داده و در آن پذیرفته شویم. این برای ما چالشی بزرگ است.»⁵³ وی می‌افزاید که آن‌ها به زمان زیادی نیاز دارند تا یک سازمان غیردولتی را از نو بسازند، اعتماد تمویل‌کنندگان را جلب کنند و آن‌ها را قانع سازند که کارهایی که در تبعید انجام می‌دهند مرتبط با وضعیت حقوق بشر در افغانستان است. خلیل رؤفی، رئیس شبکه جامعه مدنی و فعالان حقوق

⁵⁰ ناشناس

⁵¹ فرشته کریم، بریتانیا، 25 اگست 2022

⁵² ناشناس

⁵³ حوریه مصدق، بریتانیا، 27 جولای 2022

بشر، نیز به این چالش اشاره کرده و می‌گوید: «ما ظرفیت رقابت با سازمان‌های غیردولتی استقرار یافته را نداریم»⁵⁴، و اذعان می‌کند که دشوار است به‌عنوان سازمان‌های غیردولتی شناخته‌شده‌ای که برای حقوق بشر دادخواهی می‌کنند، و مهم‌تر از آن، کار خود را از تبعید ادامه دهند.

در بیشتر موارد، چالش پایداری سازمان‌های غیردولتی مانع بازگشایی و ادامه فعالیت آنان برای حقوق بشر از تبعید می‌شود، زیرا آنها مطمئن نیستند که در صورت از سرگیری فعالیت خود در آینده نزدیک چه اتفاقی خواهد افتاد. به دلیل عدم اطمینان از دریافت بودجه برای پروژه‌های بلندمدت، این سازمان‌ها تمایلی به ادامه کار ندارند، زیرا سازمان‌های تمویل‌کننده نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به آنان وعده همکاری بلندمدت بدهند. افزون بر این، برخی سازمان‌های تمویل‌کننده تنها برای پروژه‌های کوتاه‌مدت به سازمان‌های تازه‌تأسیس بودجه اختصاص می‌دهند که غالباً هدف آن کمک به بازسازی سازمان‌هایشان است. با این حال، مدافعان حقوق بشر این رویکرد را به‌عنوان یک راه‌حل پایدار نمی‌بینند. آنها نگرانند که کارمندی که قبلاً مزایای خود را از دست داده‌اند، پس از اتمام پروژه همچنان بیکار بمانند و برای یافتن شغل یا دریافت کمک از دولت با مشکل مواجه شوند.

3.3. چالش‌های برون‌داد

این بخش به تغییرات در اهداف و نتایج یک عملیات و امکان دستیابی به این اهداف از تبعید می‌پردازد.

3.3.1. پرسش‌های وجودی

پس از سقوط افغانستان به دست طالبان و فروپاشی نهادهای دولتی و غیردولتی، و همچنین انتقال مدافعان حقوق بشر به کشورهای مختلف، برخی از این مدافعان موجودیت خود به‌عنوان مدافع حقوق بشر و یا یک سازمان حقوق بشری را زیر سوال می‌برند.

فرشته کریم، رئیس سازمان چارمگز، وابستگی سازمانش به کمک‌های مالی را زیر سؤال می‌برد و می‌گوید: «این باعث می‌شود مردم باور کنند که [افغان‌ها] نمی‌توانند به خود کمک کنند و باید همیشه وابسته باشند»⁵⁵، که به باور او برای عزت‌نفس یک ملت زیان‌بار است. او می‌افزاید:

«پس از بازگشت طالبان، سؤالات بزرگی دوباره در مورد همه‌چیز مطرح شد. ما معتقد بودیم که کودکان به سواد نیاز دارند، اما اکنون این سؤال مطرح است که چه نوع سوادی نیاز دارند. آیا باید با سیستم آموزشی‌ای ادامه دهیم که نه توسط ما ایجاد شده و نه برای ما، یا باید فلسفه آموزش خود را تغییر دهیم؟»⁵⁶

مدافعان حقوق بشر ارزش و موثریت اهدافی را که طی چند سال گذشته برای آنها تلاش کرده‌اند، زیر سؤال می‌برند. آنها می‌پرسند آیا ارزش دارد که به این اهداف، به خصوص در تبعید، پایبند بمانند، یا اینکه نیاز است این اهداف را بازنگری کنند؟ و اگر بخواهند این اهداف را جایگزین کنند، چه نوع اهدافی ارزشمند و قابل تحقق هستند؟ با توجه به تغییرات جدی در افغانستان و نابودی همه ارزش‌ها در یک چشم برهم زدن – و همچنین این واقعیت که جامعه جهانی ظاهراً ارزش حقوق بشر و آنچه مردم افغانستان، به‌ویژه زنان و دختران، از سر می‌گذرانند را فراموش کرده است – مدافعان

⁵⁴ خلیل روفی، کانادا، 30 جولای 2022

⁵⁵ فرشته کریم، بریتانیا، 25 آگست 2022

⁵⁶ فرشته کریم، بریتانیا، 25 آگست 2022

حقوق بشر کل ارزش سازمان‌شان را زیر سؤال می‌برند. در مواجهه با تمام اتفاقات منفی‌ای که هر روز در افغانستان رخ می‌دهد و فضای بدبینی که بر کشور و فعالان حقوق بشر آن سایه افکنده است، از خود می‌پرسند آیا باید ادامه دهند و اگر ادامه دهند، به چه قیمتی و با چه امیدی.

3.3.2. انکشاف استراتژی جدید

انکشاف یک استراتژی جدید یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها برای مدافعان حقوق بشر افغان در تبعید بوده است. از آنجا که بسیاری از ملاحظات مربوط به یک استراتژی همچنان نامشخص باقی مانده‌اند، تصمیم‌گیری سریع درباره نوع مداخله و/یا اهداف سازمان‌های غیرانتفاعی برای مدافعان حقوق بشر آسان نیست. اکثر آنان با مسائل مختلفی که باید در استراتژی جدید خود مدنظر قرار دهند، دست‌وپنجه نرم می‌کنند، از جمله آینده مقامات دی‌فکتو در افغانستان؛ تغییرات در برنامه‌ها و تمرکز آن‌ها؛ وضعیت مدافعان حقوق بشر در تبعید؛ نگرش نهادهای تمویل‌کننده به مدافعان حقوق بشر در تبعید؛ دسترسی به منابع مالی؛ درک نقش خود در حالی که در تبعید هستند؛ آشنایی با قوانین و طرزالعمل‌های کشور میزبان؛ پیدا کردن جایگاه خود به‌عنوان سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری در تبعید؛ و شناخت چشم‌انداز فعالیت‌شان.

علاوه بر این، سؤالاتی در مورد تغییر، برندها، بین‌المللی شدن، و بسیاری از مسائل دیگر باعث شده است که آنها از انکشاف استراتژی برای فعال خودداری کنند. برخی از آنها دامنه فعالیت‌های سازمان خود را به کمک‌های بشردوستانه به مردم افغانستان محدود کرده‌اند. آینده کشور تحت تسلط طالبان به عنوان مقامات دی‌فکتو؛ وضعیت مدافعان حقوق بشر در تبعید؛ و ابهام در پالیسی‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی دلیل اصلی تردید آنها در تدوین استراتژی جدید است.

ماری اکرمی با در نظر داشت این مسایل می‌گوید: «تدوین استراتژی جدید زمانگیر است. همه‌ی آن بستگی به زمان دارد. اول باید بفهمیم مقامات دی‌فکتو چگونه‌اند، سپس باید تصمیم بگیریم که کجا نیاز به کار دارد، مقامات دی‌فکتو در کجاها افراطیت به خرج می‌دهد، آنان در کجاها کار می‌کنند و در کجا ما می‌توانیم روش آنان را تغییر دهیم.»⁵⁷

سازمان غیردولتی که تحت رهبری ماری اکرمی بود پیش از برای صلح، امنیت، و حقوق زنان دادخواهی می‌کرد. با توجه به شرایط فعلی، سازمان وی دیگر نمی‌تواند در آن زمینه‌ها فعالیت کند، از همین رو، تصمیم گرفته‌اند روی استراتژی جدیدی کار کنند تا بتوانند پروژه‌های متفاوتی را اجرا کنند. وی می‌گوید: «ما مجبور بودیم که تغییراتی وارد کنیم، و تغییری که آوردیم این بود که زنان چگونه می‌توانند پروژه تطبیق کنند، در وزارت اقتصاد پذیرفته شوند، و تمویل کنندگان آنان را بپذیرند.»⁵⁸ با در نظر داشت این مسایل، وود پدram معتقد است دنبال کردن اهداف گذشته چالش‌زا است. وی در این رابطه می‌گوید: «پایبندی به اهداف قبلی چالش بزرگی است، زیرا جامعه بین‌المللی توجه کمتری داشته و رژیم فعلی نیز این مسایل را درک نمی‌کند.»⁵⁹ او به قاطعیت مقامات دی‌فکتو در مورد عدم فعالیت حقوق بشری در افغانستان و در عین حال، ابهام و بی‌توجهی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نهادهای تمویل‌کننده در مورد وضعیت فعلی اشاره می‌کند.

با این وجود، عبدالله احمدی می‌گوید مهمترین تغییر در استراتژی این است که پیش از این مدافعان حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی در داخل افغانستان بودند، بر ساحه تسلط داشتند، اما اکنون در تبعید به سر می‌برند. او در این

⁵⁷ ماری اکرمی، ایالات متحده آمریکا، 27 آگست 2022

⁵⁸ ماری اکرمی، ایالات متحده آمریکا، 27 آگست 2022

⁵⁹ وود پدram، کانادا، 23 جولای 2022

مورد می‌گوید: «اکنون محور توجه ما فضای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی بوده، و گروه هدف ما نیز فقط کسانی است که از این امکانات استفاده می‌کنند.» از سوی دیگر، عزیز رفیعی می‌گوید: «ما به دلیل خطرات استراتژی خود را تغییر داده و اکنون بیشتر بر کمک‌های بشردوستانه و فعالیت‌های فقرزدایی تمرکز کرده‌ایم.»⁶⁰ وی همچنین می‌افزاید که تغییر در استراتژی نیازمند یک دفتر در خارج از کشور بود، و با شرایط فعلی، مدافعان حقوق بشر دیگر نمی‌توانند در حوزه حاکمیت قانون کار کنند، از این رو، عنصر جدیدی به استراتژی خود افزوده‌اند که همان نظارت از حقوق بشر می‌باشد. با این حال، برای بسیاری از سازمان‌های غیردولتی، این تغییر آنچنان هم آسان نبوده، زیرا آنان نمی‌توانند از حوزه‌ای به حوزه‌ای دیگر که قبلاً در آن کار نکرده‌اند انتقال کنند. به عنوان مثال، دودو پدرام می‌گوید که سازمان غیردولتی او پیش از این با پالیسی‌سازان و در زمینه تغییر پالیسی کار می‌کرده، اما اکنون دیگر با آنان یا در آن زمینه کار نمی‌کند. او مطمئن نیست چگونه سازمان خود را با محیط جدید وفق بدهد.

4. فرصت‌های عملیاتی

این بخش در مورد فرصت‌هایی است که مدافعان حقوق بشر افغانستان برای دفاع از آرمان خود و دستیابی به اهداف خود دارند.

4.1. نظارت و مستندسازی

پس از روی کار آمدن طالبان، نقض گسترده حقوق بشر در کشور رخ داد که اکثر این قضایا به دلیل عدم وجود سازوکارهای پاسخگویی، عدم دسترسی به اطلاعات، و تهدیدهای طالبان گزارش و مستندسازی نشدند. با این حال، مدافعان حقوق بشر در تبعید فرصت این را دارند که بر وضعیت نظارت داشته و نقض حقوق بشر توسط عوامل مختلف را مستندسازی کنند. به باور این مدافعان، قربانیان نقض حقوق بشر در افغانستان به آنان نسبت به سازمان‌هایی که در داخل کشور هستند بیشتر اعتماد خواهند کرد، و همچنین زمانی که بخواهند اطلاعات حساس خود را شریک سازند، احتمالاً بیشتر به این مدافعان مراجعه خواهند کرد تا سازمان‌های داخلی. مدافعان حقوق بشر در تبعید همچنین می‌توانند با ایجاد راهکاری برای دریافت معلومات از داخل کشور، بررسی و تحلیل آن، و سپس انتشار نتایج تحلیل در میان ذینفعان مختلف در تبعید به سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی نیز کمک به سزایی بکنند.

سازمان‌های غیردولتی داخل افغانستان به دلیل محدودیت‌های شدید وضع شده از سوی مقامات دی‌فکتو نمی‌توانند این کار را انجام دهند. آنان نه می‌توانند قضایا را بررسی و نظارت کنند، و نه می‌توانند یافته‌های خود را منتشر کنند. از این رو، مدافعان حقوق بشر در تبعید معتقدند که این خلا باید توسط سازمان‌های غیردولتی در تبعید پر شود، و همچنین هر نوع نقض حقوق بشر باید مستندسازی و نگهداری شود. ضمن مستندسازی نقض حقوق بشر، آنان می‌توانند موقف صریح در مورد چنین قضایا در افغانستان گرفته و موقف‌نامه، بیانیه، یا گزارش خبری منتشر کنند. همچنین، با استفاده استراتژیک از رسانه‌ها، می‌توانند افکار عمومی چه در داخل و چه در خارج از کشور را سوق دهند. فعالان حقوق بشر معتقدند که انجام این فعالیت‌ها می‌تواند منجر به جلوگیری از نقض حقوق بشر و پاسخگو ساختن عاملین آن شود.

⁶⁰ عزیز رفیعی، کانادا، 23 جولای 2022

4.2. هنر

مدافعان حقوق بشر معتقدند که می‌توانند از طریق برنامه‌های مختلف هنری مانند شعرخوانی، تئاتر، فیلم، موسیقی، نمایشگاه و غیره برای انعکاس آنچه بر مردم افغانستان تحمیل می‌شود و فشار آوردن بر جامعه بین‌الملل برای روی دست گرفتن اقدامات معنادار برای احیای حقوق و آزادی‌های مردم افغانستان نیز استفاده کرد. زندگی در تبعید می‌تواند فرصتی برای مدافعان حقوق بشر فراهم کند تا از طریق رویدادهای هنری بتوانند آرمان خود را برجسته کرده و توجه جهانی را به وضعیت حقوق بشر در افغانستان جلب کنند تا در نتیجه مردم و جامعه جهانی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در افغانستان بسیج شوند. مدافعان حقوق بشر هنر را راهی برای قرار دادن افغانستان در اجندای بین‌المللی و روشن نگه داشتن مشعل حقوق بشر و آزادی در افغانستان نیز می‌بینند تا بدین وسیله افغانستان از سوی جامعه جهانی دوباره فراموش نشده و پس از چند سال دوباره «کشف» شود.

4.3. دادخواهی

اکثر مدافعان حقوق بشر دادخواهی را یک وظیفه مهم در تبعید می‌دانند. به باور آنان، در افغانستان فعلی امکان دادخواهی نیست، و تبعید فرصتی برای دادخواهی از کشورهای خارج در راستای بهبود وضعیت حقوق بشر در داخل فراهم کرده است. با آن که مدافعان حقوق بشر معتقدند که «اسکان مجدد مدافعان حقوق بشر افغانستان فرصتی برای تبدیل شدن به گروه‌های دادخواهی فراهم کرده»،⁶¹ و همچنین آنان به ذینفعان مختلف در کشورهای مختلف دسترسی داشته و با بهره‌گیری از حضورشان در آن کشورها می‌توانند بر پالیسی‌های سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و دولت‌ها در رابطه با وضعیت حقوق بشر در افغانستان تاثیرگذار باشند، آنان همچنین باورمندند که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی باید به آنان کمک کنند تا گرد هم آمده و جنبش یا گروه‌های دادخواهی تشکیل دهند.

عبدالله احمدی باور دارد که: «اگر همبستگی و هماهنگی معناداری بین مدافعان حقوق بشر و سازمان‌های حقوق بشری وجود داشته باشد، آن‌ها می‌توانند به‌عنوان یک جنبش بزرگ بین‌المللی متمرکز بر افغانستان شکل بگیرند و تاثیرگذار باشند.» او در ادامه می‌گوید: «بسیار خوب خواهد بود که سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به سازمان‌های غیردولتی افغان‌ها در زمینه هماهنگی، ارتقای ظرفیت، و شبکه‌سازی کمک کنند.»⁶² بنابراین، مدافعان حقوق بشر در تبعید معتقدند که باید در ثبت سازمان‌های آنان در خارج از افغانستان به آن‌ها کمک شود تا بتوانند در فعالیت‌هایی که سازمان‌های داخل افغانستان اجازه انجام آن‌ها را ندارند شرکت کنند.

از زمان سقوط افغانستان، سازمان‌های غیردولتی فعال در داخل کشور نمی‌توانند فعالیت‌هایی برای تحقیق، نظارت و مستندسازی نقض حقوق بشر انجام دهند و یا برای تغییر وضعیت دادخواهی کنند. به عبارت دیگر، فضای مدنی در افغانستان به‌شدت محدود شده است و مردم اجازه ندارند آزادانه گردهمایی کرده و نظرات خود را بیان کنند. بنابراین، خلأ جامعه مدنی فعال در این کشور باید از طریق حمایت از مدافعان حقوق بشر در تبعید پر شود تا آن‌ها بتوانند فشار بر مقامات دی‌فکتو را تا زمانی که فضای مدنی در افغانستان دوباره باز شود ادامه دهند و زنان و مردان بتوانند خود برای حقوق و آزادی‌های‌شان مبارزه کنند.

⁶¹ حوریه مصدق، بریتانیا، 27 جولای 2022

⁶² عبدالله احمدی، فرانسه، 22 جولای 2022

5. نتیجه‌گیری

بسیاری از مدافعان حقوق بشر افغان پس از سقوط کابل به دست طالبان در 15 آگست 2021 و به دلیل تهدیدات علیه خود و خانواده‌هایشان مجبور شدند به کشورهای دیگر، عمدتاً اروپا، بریتانیا، ایالات متحده، و کانادا، انتقال یابند. علی‌رغم چالش‌های متعدد، این مدافعان هنوز فرصت تاسیس مجدد سازمان‌هایشان و دادخواهی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در افغانستان از کشورهای تبعیدی دارند. آنان امکان حمایت شدن از سوی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و ادارات تمویل‌کننده، و مهمتر از همه، شرایطی که آنان را کنار هم آورده و امکان دادخواهی به شکل یک جنبش یا گروه را برایشان فراهم کرده به مثابه فرصتی در تبعید دیده و می‌توانند بر وضعیت حقوق بشر در کشور نظارت کرده و نقض حقوق بشر را مستندسازی کنند.

مدافعان حقوق بشر در تبعید اعتماد مردم افغانستان را با خود دارند، به خصوص آن عده از کسانی که حقوق‌شان توسط مقامات دی‌فکتو نقض شده‌اند و ترجیح می‌دهند که معلومات‌شان را با آنان شریک کنند، نه سازمان‌های غیردولتی که هنوز در داخل کشور فعالیت دارند. این موضوع به مدافعان حقوق بشر در تبعید فرصت این را می‌دهد که قضایای نقض حقوق بشر را مستندسازی، رویدادهای هنری برگزار، و برای حقوق افراد و تمام افغانستان دادخواهی کنند. اکثر مدافعان حقوق بشر در تبعید از تجربه گسترده‌ای برخوردار بوده که طی کار با سازمان‌های ملی و بین‌المللی در افغانستان در 20 سال گذشته کسب کرده‌اند. این افراد سرشار از ظرفیت هستند: آنان با بسترهای افغانستان آشنا هستند، آنان توانایی نظارت و مستندسازی وضعیت حقوق بشر در کشور را دارند، و می‌توانند از تبعید برای تغییر وضعیت دادخواهی کنند. با این حال، برای انجام این کار، آنان به حمایت مالی و تخنیکی نیاز دارند تا خود را بازسازی کرده و با سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که به کمک به افغانستان متعهد هستند همکاری نمایند. اگر از آن‌ها حمایت شود و در راستای حقوق بشر فعالیت کنند، می‌توانند نه تنها برای وضعیت کنونی بلکه برای آینده نیز کار کنند؛ زمانی که شرایط بهبود یابد و مدافعان حقوق بشر بتوانند به کشور بازگردند و فعالیت‌های خود را ادامه دهند. در آن صورت، آن‌ها به‌عنوان یک نیروی متحد و ماهر به افغانستان بازگشته و می‌توانند تأثیر مهمی بر بازسازی قوانین و سیاست‌ها داشته باشند.

با این حال، اگر مدافعان حقوق بشر حمایت لازم را از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و تمویل‌کنندگان دریافت نکنند و نتوانند در تبعید خود را به‌عنوان سازمان‌های غیردولتی بازسازی کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که به حوزه‌های دیگر زندگی روی آورند و تخصص‌هایی که طی دو دهه گذشته به دست آورده‌اند از بین برود. این نه تنها اتلاف ظرفیت‌های ارزشمند برای افغانستان خواهد بود، بلکه هدررفتن منابعی است که کشورهای تمویل‌کننده طی 20 سال گذشته صرف کرده‌اند. علاوه بر این، اگر وضعیت در افغانستان بهبود یابد، نیروی بالقوه‌ای که دانش و مهارت لازم برای بازگشت به کشور، مقابله با نیروهای سنتی و تأثیرگذاری بر سیاست و قانون به‌عنوان یک گروه ذی‌نفع داشته باشد، وجود نخواهد داشت. از این رو، باید از مدافعان حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی در تبعید به هر نحوی حمایت شود؛ از جمله از طریق ابتکاراتی مانند ابتکار حمایت مالی مشروط یا سیستم اعزام نیروی متخصص، تا زمانی که بتوانند خود را بازسازی کرده و به‌طور مستقل فعالیت کنند.

بخش دوم: توصیه‌ها

یکم: به مدافعان حقوق بشر افغان در تبعید

1. سازوکار ویژه‌ای برای هماهنگی میان مدافعان حقوق بشر در تبعید به منظور اطمینان از همکاری و تعاون معنادار با سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی مختلف، میکانیزم‌های سازمان ملل، به ویژه دفتر گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشری افغانستان، ایجاد شود. این امر برای حصول اطمینان از عدم تکرار در پروژه‌ها و ابتکارات و فراگیر، شفاف، و پاسخگو بودن آنها نیز مهم است تا مشروعیت و تاثیرگذاری لازم به دست آمده و نتایج نهایی تمام این فعالیت‌ها به مردم افغانستان برسند.
2. اشخاص ارتباطی برای هر موضوع خاص در کشور و مناطق مختلف از طریق سازوکاری مشخص شناسایی و تعیین شوند تا در برگزاری رویدادها، هماهنگی، جلب کمک‌های مالی، و افزایش دسترسی به معلومات در مورد مدافعان حقوق بشر ساکن و حاضر در تبعید فعالیت داشته باشند.
3. از فرصت همکاری با سایر مدافعان حقوق بشر تبعیدی در دیگر کشورهای مشابه برای بررسی راه‌های مختلف کار از تبعید، مانند (اما نه فقط این موارد) نظارت، مستندسازی، و دادخواهی با کمترین خطر ممکن استفاده صورت گیرد.

دوم: به ادارات تمویل کننده و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

1. ظرفیت سازمانی و دانش زمینه‌ای سازمان‌های غیردولتی افغان به رسمیت شناخته شده و از یک یا دو سازمان غیردولتی افغان برای مدت یک یا دو سال به حیث همکار تطبیق کننده حمایت مالی شود.
2. سیستم اعزام نیروی متخصص روی دست گرفته شود تا از طریق آن کارمندان مشخصی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی با سابقه برای سازمان‌های غیردولتی افغان تعیین شده و به آنان مشاوره و همکاری تخنیکی ارائه کنند. و یا یک یا دو تن از کارمندان سازمان‌های غیردولتی افغان از طریق برنامه فیلوشیپ در سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی جذب شوند تا آنان بتوانند برای توسعه سازمانی موسسه خودشان کار کنند.
3. کنفرانس تمویل کنندگان برای بررسی راه‌های رسیدگی به وضعیت حقوق بشر افغانستان از تبعید و حمایت مالی از مدافعان حقوق بشر و سازمان‌های غیردولتی آنان در تبعید برگزار شود. افزون بر این، کنفرانس بزرگ چند روزه برای بررسی دقیق فرصت‌های همکاری با مدافعان حقوق بشر افغان در تبعید، سازمان‌های غیردولتی آنان، و سازمان‌های جامعه مدنی خارج از افغانستان نیز برگزار شود.
4. فرصت تجربه کار در محیط و فرهنگ جدید در کشورهای میزبان آنان از طریق ارائه برنامه‌های کارآموزی یا فیلوشیپ در سازمان‌های مختلف فراهم شود. علاوه بر آن، کارگاه‌های آموزشی حضوری یا آنلاین در مورد امنیت دیجیتال، جلب کمک‌های مالی، توسعه سازمانی، شبکه‌سازی، ارتباطات و دادخواهی برای کمک به ارتقای مهارت‌های مسلکی مدافعان حقوق بشر نیز برگزار شوند.
5. به سازمان‌های غیردولتی در تبعید بودجه هسته‌ای یا بلند مدت داده شود تا بتوانند سازمان خود را در تبعید بازگشایی کرده و کارکنان خود را بازیابند. علاوه بر این، از آنان در نظارت و مستندسازی قضایی

نقض حقوق بشر، مانند جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، نسل کشی، شکنجه، محکمه صحرایی، و انحراف کمک‌های بشردوستانه نیز حمایت شود.

6. مدافعان حقوق بشر افغان در تبعید در برنامه یا واحدهای افغانستان سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی استخدام شوند، و از دانش زمینه‌ای آنان برای اطمینان از این که برنامه‌های کلیدی اولویت داده شده و مطابق مشکلات واقعی مردم هستند استفاده شود. علاوه بر آن، پلان‌های استراتژیک برای افغانستان با در نظر گرفتن وضعیت فعلی بازبینی شده و مدافعان حقوق بشر تبعیدی و سازمان‌های غیردولتی آنان به حیث ذینفعان مربوطه و نمایندگان تغییر حقوق بشر شامل شوند.

سوم: به دولت‌ها

1. به مدافعان حقوق بشر افغان که وضعیت حقوقی‌شان نامعلوم است اجازه اقامت داده شود تا بتوانند به کارشان ادامه داده و سازمان غیردولتی‌شان را اداره کنند. علاوه بر این، اعضای خانواده مدافعان حقوق بشر را که در افغانستان در خطر هستند تخلیه کرده و یا در برنامه‌های تخلیه به آنان اولویت داده شود.
2. به آن عده از مدافعان حقوق بشر افغان که از سقوط افغانستان آسیب روحی دیده‌اند خدمات روان‌شناسی ارائه شود تا بتوانند بر چالش‌ها غالب شده و استقامت روانی‌شان بالا برود.
3. راه‌های انعطاف‌پذیر برای ثبت سازمان‌های غیردولتی مدافعان حقوق بشر در تبعید ایجاد شود، از جمله اما نه محدود به افتتاح حساب بانکی و انتقال آسانتر وجوه به افغانستان و برعکس آن بر اساس یک سازوکار مشخص.
4. شرایط حقوقی و عملی مناسبی برای مدافعان حقوق بشر ایجاد شود، مانند صدور آسان ویزه، تا آنان بتوانند به راحتی در رویدادهای حقوق بشری خارج از کشور میزبان اشتراک کرده و به فعالیت‌شان ادامه دهند، و همچنین محل درس یا کار آنان این اجازه را به آنان می‌دهد.

چهارم: به یوناما در افغانستان

1. بر مقامات دی‌فکتوی افغانستان فشار معناداری آورده شود تا مدافعان حقوق بشر در تبعید به حساب‌های بانکی شخصی و سازمانی مسدود شده خود دسترسی پیدا کنند.
2. از عدم دخالت مقامات دی‌فکتوی افغانستان در کار سازمان‌های غیردولتی و یا تلاش برای انحصارگرایی سازمان‌های جامعه مدنی اطمینان حاصل شود. علاوه بر این، اطمینان حاصل شود که منابع مالی ادارات مختلف سازمان ملل متحد از سازمان‌های غیردولتی تحت حمایت مقامات دی‌فکتو و یا سازمان‌های حامی آنان حمایت نمی‌کنند.